الگوی اهتمام جمعی در مدیریت تربیتی

محمد عالم‌زاده نوری


# بخش اول

تزکیه و تعلیم انسان غایت بعثت انبیاست و حوزه‌های علمیه کانون پرورش انسان‌هایی است که مسئولیت تعلیم و تزکیه انسان‌ها را به دوش می‌کشند و در عصر غیبت پیامبران بزرگ الهی پا جای پای آنان می‌گذارند. حوزه‌های علمیه در کارنامة بیش از هزار سال فعالیت خود شخصیت‌های برجسته و ستارگان ممتازی به بشریت تقدیم داشته که تاریخ و جغرافیای انسانی تحت تأثیر شخصیت و فعالیت آنان به خود می‌بالد و از همت و مجاهدت آنان رنگ نور و روحانیت و معنویت گرفته است. عالمان پارسا و عناصر کارآمدی مانند رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، امام خمینی;، شهید بهشتی;، ملاصدرا;، فیض کاشانی;، شیخ بهایی;، خواجه نصیرالدین طوسی;، شیخ مفید; که عمر خود را در گسترش تعالیم دینی و تربیت اخلاقی - معنوی تودة انسان‌ها صرف کرده و آثار پربرکتی برای نسل‌ها و عصرها به یادگار نهادند.

## رادمردان

امروز نیز چشم امید همة مصلحان دردآشنا به حوزه‌های علمیه دوخته شده که با پرورش نیروی انسانی کارآمد، دردهای کهنه بشریت را التیام بخشند و گره‌های کور انسان غم‌زدة امروز را بر اساس آموزه‌های دین مبین خاتم به دستان کارگشای خود بگشایند.

اگر امید داشته باشیم که کارگاه پرورش چنین انسان‌هایی دائر و مسیر تربیت آنان هموار است، می‌توان صبر کرد و دندان بر جگر نهاد؛ 5 سال دیگر، 10 سال دیگر، 15 سال دیگر... تا شمار فراوانی از این نیروهای کارآمد در اختیار جامعه قرار گیرند و این سنگرهای خالی را پر کنند، این دردهای بزرگ را درمان نهند و این راه‌های ناپیموده را بپیمایند.

همة نگاه‌ها در پدیدآمدن این انسان‌های بزرگ به سوی حوزه است. هیچ نهاد و سازمان دیگری این نیاز را برآورده نمی‌سازد و قابلیت تولید و تکثیر این رادمردان را ندارد. بی‌شک نظام تربیتی حوزه‌های علمیه از پدید آوردن چنین انسان‌های بزرگی عقیم نیست و هم‌چنان پنجره‌های امید برای تابش این نور باز است و به لطف مجاهدت امام و امت و جان‌بازی شهیدان فداکار و نیز آرامش نسبی حوزه‌های علمیه پس از انقلاب، امید پدیدآمدن چنین اعجوبه‌هایی بیشتر شده و به تبع آن تکلیف و مسئولیت ما در پرورش این انسان‌های بزرگ افزایش یافته است.

بی‌تردید نمی‌توان منتظر یک تصادف بزرگ برای پدید آمدن این ستارگان درخشان ماند و همه چیز را تنها به عنایت الهی یا تصادف واگذار کرد! بدون برنامه‌ریزی و اقدام، احتمال پیدایش این کسان بسیار کم است. باید تلاشی کرد و حرکتی...

باید طلبه جوان امروز را دید؛ طلبه جوانی که تأثیرپذیرترین و آماده‌ترین کس برای دریافت این تربیت و تأثیرگذارترین شخص برای فردای جامعه است. باید این جوان آماده را به دانایی و ایمان و اراده و اخلاص و تجربه و مهارت تجهیز کرد و تأسیسات روحی و روانی او را برای انجام آن مأموریت بزرگ الهی افزود و توان او را برای ایفای نقش تأثیرگذار اجتماعی و خدمت مجاهدانة بی‌مزد و منت آماده ساخت.

در این مسیر ـ بر اساس سنت الهی در نظام اسباب و مسببات ـ هرچه بیشتر تلاش کنیم و استقامت ورزیم و هرچه بیشتر فکر و زمان و سرمایه صرف کنیم بیشتر نتیجه می‌گیریم و هرچه بیشتر مسامحه کنیم و به برنامه‌های جانبی کم‌فایده دل خوش سازیم بیشتر محروم می‌گردیم.

به این همه بیفزاییم که دشمنان دین و آیین و فرهنگِ اسلام نیز همین‌گونه می‌اندیشند و برای مقاصد ناپاک خود دستان توانا و نامردان کارآمدی جستجو می‌کنند و در تربیت آنان سرمایه‌گذاری می‌کنند. این بدان معناست که هر لحظه توقف ما در این رقابت سنگین، عقب‌نشینی و خسارت است.

## اسلام و فتح جهان

امام راحل در پیام تاریخی برائت (۶/ ۵/ ۱۳۶۶)‌ به ملت نوخاسته ایران نوید دادند: «من با اطمينان مى‏گويم اسلام ابرقدرت‌ها را به خاك مذلت مى‏نشاند، اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را يكى پس از ديگرى برطرف و سنگرهاى كليدى جهان را فتح خواهد كرد».

این فرمایش امام راحل، تفسیر و ترجمة چند آیة قرآن است. از جمله: «هُوَ الَّذي أَرسَلَ رَسولَهُ بِالهُدى وَدينِ الحَقِّ لِيُظهِرَهُ عَلَى الدّينِ كُلِّهِ وَلَو كَرِهَ المُشرِكونَ»[[1]](#footnote-1). خدای متعال پیغمبر، دین، هدایت، قرآن، وحی و شریعت فرستاده است که در جهان اتفاقی بیفتد و غایتی محقق شود. آن غایت در این آیة مبارک، روشن، بی‌تعارف و صریح بیان شده است: «لِيُظهِرَهُ عَلَى الدّينِ كُلِّهِ». مقصد این است که این دین بر همة ادیان غلبه کند و روزگاری فرا رسد که مکتب اهل بیت بر تمام زمین حاکم شود. امام این مکتب، امام کل زمین باشد، تمام نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های جهانی به دست مبارک او و با امر و تأیید او تشکیل شود و ادیان دیگر ذیل حکومت او قرار گیرند.

یکی از دوستان فاضل که به عنوان نمایندة مکتب تشیع در نمایشگاه ادیان استرالیا شرکت کرده بود می‌گفت: در آن نمایشگاه علاوه بر مکتب تشیع حدود ۷۰۰ دین و آیین دیگر غرفه داشتند و خود را عرضه می‌کردند. طبق این آیة مبارک، مکتب اهل بیت باید جهان‌گیر شود و بر همة آن ۷۰۰ آیین غلبه کند.

در آیات دیگر قرآن هم آمده است:

«وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُونَ»،[[2]](#footnote-2)

«إنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»،[[3]](#footnote-3)

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»،[[4]](#footnote-4)

زمین به طور مطلق در اختیار بندگان شایسته و متقی قرار خواهد گرفت. چنانچه در روایات معصومان هم آمده است: «الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يُعْلَى عَلَيْه‏»؛[[5]](#footnote-5) اسلام دست برتر را دارد و هیچ چیز بالاتر از آن نیست.

## تکلیف ما

ظاهر این آیات و روایات خبر است؛ ولی حقیقت آن است که در این بیانات نوعی انشا نیز نهفته است. خدا می‌فرماید من این کار را می‌کنم، اسلام این گونه هست؛ اما علاوه بر این نوید الهی، نوعی تکلیف و مسئولیت نیز برای مؤمنان رقم خورده است؛ یعنی مؤمنان باید این کار را بکنند و این مطلوب را پدید آورند. منظور این نیست که بنشینید و بنگرید و منتظر باشید تا خدا کار خود را پیش ببرد و این دین را بر همة ادیان غلبه دهد! این تفسیر، یک تفسیر بنی‌اسرائیلی است! زمانی که حضرت موسی به بنی‌اسرائیل دستور حرکت داد گفتند: «فَاذْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ».[[6]](#footnote-6)

پس این گزاره‌ها صرفا حصولی و تکوینی نیست؛ تحصیلی و تشریعی نیز هست. صرفا از مقولة «هست» نیست؛ «باید»ی نیز در دل دارد. خدا ما را به یاری طلبیده و از ما استمداد می‌کند که به نصرت او و یاری دینش و اولیایش حرکت کنیم و سربازان این کار شویم.

نصرت خدا تلاش برای تحقق اراده‌ی خدا است؛ یعنی تلاش کنیم آنچه خدا خواسته است را جاری و محقق سازیم؛ البته اگر ما در این میدان بمانیم و خدا را یاری کنیم خدا هم ما را یاری خواهد کرد: «اِن تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرکُم‌‌»[[7]](#footnote-7)، «وَلَیَنصُرَنَّ اللهُ مَن یَنصُرُه»[[8]](#footnote-8)

بنابراین اگر سؤال شود فاعل این امر که «اسلام سنگرهای مهم جهان را فتح خواهد کرد» کیست؟ یک گزینه این است که بگوییم فاعلش خدا است؛ زیرا فرموده است: «إِنّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنّالَهُ لَحافِظُونَ»[[9]](#footnote-9). احتمال دیگر این است که خدا این کار را با همراهی پیامبران و امامان انجام می‌دهد و نیازی به حضور ما نیست. این دو گزینه صحیح نیست. خدای متعال در عالم اختیار و ارادة انسانی این کار را به تنهایی یا صرفا با همراهی پیامبران پیش نمی‌برد.

گاهی گمان می‌شود که ما باید منتظر بمانیم تا امام زمان7 جهان را اصلاح کند! درحالی‌که اگر بنا بود آن حضرت به تنهایی این کار را انجام دهد، این همه توقف و معطلی نمی‌داشت. بیش از هزارسال پیش تشریف می‌آورد و با فوت و دست عنایت یا با گوشة چشم و فیض روح‌القدس، همة عالم را گلستان می‌کرد. اگر قرار بود یک نفر به تنهایی اسلام را حاکم کند نوبت به امام زمان هم نمی‌رسید. شخص پیامبر خاتم9 با قدرت غیبی، دست عنایت، نگاه مرحمت، نظر لطف و مانند آن همة انسان‌ها را سلمان و ابوذر و همة عالم را اصلاح می‌کرد و این همه ظلم و فسق و شرک و کفر و فساد و تبعیض و بدبختی و گرسنگی را باقی نمی‌گذاشت. حتی اگر قرار بر این بود، نوبت به پیامبر خاتم هم نمی‌رسید؛ عیسی مسیح7 با دم مسیحایی خود، این کار را انجام می‌داد. و چه بسا نوبت به او هم نمی‌رسید خود خدا با مشیت کن فیکونی این کار را می‌کرد، و نیاز به فوت و دست عنایت هم نداشت!: «وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ»[[10]](#footnote-10) اگر می‌خواست همه را هدایت می‌کرد. «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا»[[11]](#footnote-11) با مشیت خدا همة انسان‌ها به انسان‌های کامل نورانی و مؤمنان هدایت‌یافته تبدیل می‌شدند.

حق این است که این مهم با همت مؤمنان صورت می‌گیرد.

هُوَ الَّذي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنينَ[[12]](#footnote-12)

يا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنينَ[[13]](#footnote-13)

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْميزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ[[14]](#footnote-14)

وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثيرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ في‏ سَبيلِ اللَّهِ وَ ما ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكانُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرينَ[[15]](#footnote-15)

و مؤمنان باید ارادة خدا را محقق کنند و به یاری خدا آیند:«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ».[[16]](#footnote-16)

این آیه در سورة صف کمی بعد از آیة «هُوَ الَّذي أَرسَلَ رَسولَهُ بِالهُدى وَدينِ الحَقِّ لِيُظهِرَهُ عَلَى الدّينِ كُلِّهِ وَلَو كَرِهَ المُشرِكونَ» قرار گرفته است؛ یعنی اگر قرار است دین خدا غلبه کند باید مؤمنان در میدان باشند و دین را یاری کنند.

«كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ» کما اینکه حضرت عیسی مسیح7 هم با اینکه می‌توانست مرده را زنده کند برای اجرای حرکت اجتماعی خود مقابل جمعیت ایستاد و فرمود: «مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ؟» حواریون گفتند: «نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ» ما به یاری خدا می‌آییم. حواریون می‌دانستند که یاری ولیّ خدا، عین یاری خداست. عیسی می‌گوید به یاری من در مسیر خدا بیایید. آنها گفتند ما به یاری خدا می‌آییم.

آنگاه مردم دو گروه شدند:‌ «فآمنت طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ» عده‌ای ایمان آوردند و با عیسی7 همراه شدند، عده‌ای هم کفر ورزیدند و در مقابل آن پیامبر الهی قرار گرفتند: «فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ» خداوند می‌فرماید ما مؤمنین را بر کافرین تأیید کردیم؛ یعنی امدادهای آشکار و غیبی خود را نصیب آنها کردیم: «فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ» و آنها غالب شدند. پس اگر بخواهید غالب شوید و «لِيُظهِرَهُ عَلَى الدّينِ كُلِّهِ» رخ دهد نباید منتظر بنشینید. با تلاش و اراده و با نصرت دین خدا و ولیّ خدا تأییدات الهی را دریافت کنید تا این غلبه اتفاق افتد.

## جبهه مؤمنان

البته این حرکت بزرگ جهانی به صورت فردی پیش نخواهد رفت. با یک حرکت ایمانی گسترده به صورت جمعی، تشکیلاتی و امتی محقق می‌شود؛ یعنی مؤمنان باید به ید واحد و پیکرة یکپارچه تبدیل شوند و برای انجام یک عملیات گسترده در مقابل دشمن، جبهة واحد باشند. به بیان دیگر خدا و امام زمان این کار را به تنهایی انجام نداده‌اند؛ ما هم گمان نکنیم که می‌توانیم این کار را به تنهایی انجام دهیم.

امیرالمؤمنین می‌فرمایند: «وَ لَيْسَ امْرُؤٌ - وَ إِنْ عَظُمَتْ فِي الْحَقِّ مَنْزِلَتُهُ وَ تَقَدَّمَتْ فِي الدِّينِ فَضِيلَتُهُ - بِفَوْقِ أَنْ يُعَانَ عَلَى مَا حَمَّلَهُ اللَّهُ مِنْ حَقِّهِ؛ وَ لَا امْرُؤٌ - وَ إِنْ صَغَّرَتْهُ النُّفُوسُ وَ اقْتَحَمَتْهُ الْعُيُونُ - بِدُونِ أَنْ يُعِينَ عَلَى ذَلِكَ أَوْ يُعَانَ عَلَيْهِ»[[17]](#footnote-17) یعنی هيچ كس – هر چند جایگاه او بزرگ و ارزش او در دين بالا باشد- بى‌نياز نيست كه او را در انجام حق يارى رسانند و هيچ كس گرچه مردم او را خوار شمارند و در دیده‌ها بى‌‏ارزش باشد، كوچك‏تر از آن نيست كه كسى را در انجام حق يارى كند، يا ديگرى به يارى او برخيزد. تحقق عبادت شایسته خدا در روی زمین، صرفاً به وسیله اولیای خدا وسلسله‌ی انبیا و ائمه ممکن نیست؛ اگر می‌خواهیم خدا در طرازی که حق اوست در جهان پرستش شود، باید همه آحاد مردم به این کاروان وارد شوند.

در سیستم‌های یکپارچه گاهی اگر یک جزء کار خود را خوب انجام ندهد آن سیستم از حرکت باز می‌ماند. در یک اتومبیل اگر همة اجزا سالم باشند اما یک چرخ نباشد یا حتی لوله بنزین که ارزش زیادی هم ندارد نباشد سیستم متوقف می‌شود. ما هم در یک سیستم هستیم و باید با یک حرکت یکپارچه و تعریف شده و با همراهی انسان‌های بزرگ، رخداد بزرگی را رقم بزنیم.

# بخش دوم

## بحران نیروی انسانی

همة ما در تجربه فعالیت‌های خود می‌دانیم که عمدۀ کارهای فرهنگی معطل نیروی انسانی است. برای حل این موضوع نباید دست روی دست بگذاریم تا ابر و باد و مه و خورشید و فلک نیروی انسانی مؤمن کارآمد بصیر را تأمین کنند. باید به میدان بیاییم و عرصه‌ای را برای تربیت این انسان‌های بزرگ پدید آوریم. آن عرصه همین مدارس علمیه هستند.

مدارس علمیه بهترین کانون پرورش و کارگاه تولید انسان‌های بزرگ است و بهتر از آن برای این هدف نمی‌توان یافت. اگر مدارس علمیه را با مدارس آموزش و پرورش، یا با دانشگاه‌ها، مساجد و هیئات مقایسه کنید به این موضوع معترف خواهید بود. همۀ این مراکز نقش تربیتی دارند؛ اما هیچ یک مانند مدرسة علمیه ظرفیت تربیت انسان‌های بزرگ ندارند؛ مثلا در مسجد با همة عظمت و قداست و برکتش، امکان ارتباط با مخاطب در شبانه‌روز تنها یکی دو ساعت است. در ضمن مخاطب مسجد یکدست نیست، زن و مرد و کودک و جوان و پیر و باسواد و بی‌سواد و عامی و متخصص و... همه حضور دارند.

در محیط دبیرستان و دانشگاه هم چه بسا مخاطب با اشتیاق کافی نیامده باشد؛ اما در مدرسة علمیه مخاطبی که در اختیار ماست با اشتیاق برای فراگیری فرهنگ اسلامی و تربیت دینی خود را عرضه کرده است.

این مخاطب مشتاق و تأثیرپذیر می‌تواند روزگاری تأثیرگذارترین شود؛ یعنی حتی اگر در غیر حوزة علمیه این همه اشتیاق و آمادگی باشد درنهایت یک پزشک یا مهندس خواهد شد؛ اما طلبه می‌تواند در سطح جهان تأثیرگذار باشد؛ مانند شیخ زکزاکی و سید حسن نصرالله که این همه عظمت برای شیعه در نیجریه و لبنان بلکه در جهان پدید آورده‌اند. مرحوم شاه آبادی که امام راحل دربارة او «روحی له الفداء» می‌فرمود به ظاهر یک نفر تربیت کرده است؛ اما جهانی را با همین یک نفر متحول ساخته و نقطة عطفی در تاریخ تشیع پدید آورده است.

آیا از تربیت انسان، کاری بزرگ‌تر و مهم‌تر می‌توان سراغ گرفت؟ آیا توسعة صنعت هسته‌ای یا پدید آوردن موشک‌های قاره‌پیما با تربیت انسان کامل تراز دین قابل مقایسه است؟ پیغمبر اکرم به امیر مؤمنان می‌فرمودند: «لَأن یَهدِی الله علی یدیک رَجُلاً واحِدًا خَیرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَت عَلَیهِ الشَّمس»[[18]](#footnote-18) هدایت یک نفر بهتر از همة آن چیزی است که آفتاب بر آن می‌تابد.

بی‌شک کوششی که در ارتباط با این جوان‌ها انجام می‌گیرد یک ذره و یک ثانیه‌اش از بین نمی‌رود؛ ولی نباید به همین مقدار اکتفا کنیم. باید این مسیر را پرشورتر، کامل‌تر، حرفه‌ای‌تر و با دانش و دقت کامل‌تر پیش ببریم. ما در این میدان باید حرکت پرشوری انجام بدهیم تا خدای متعال برکت دهد. هدایت فقط به دست خداست و خدا به پیامبرش صریح می‌فرماید: «إِنَّكَ لا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشاءُ»[[19]](#footnote-19)؛ اما با این حال، پیغمبر اکرم9 برای هدایت انسان‌ها سخت تلاش می‌کند و خود را به زحمت می‌اندازد تا جایی که خدا می‌فرماید:‌ «مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى»[[20]](#footnote-20)، «عَزيزٌ عَلَيهِ ما عَنِتُّم حَريصٌ عَلَيكُم بِالمُؤمِنينَ رَءوفٌ رَحيمٌ»[[21]](#footnote-21) «لَعَلَّكَ باخِعٌ نَفْسَكَ أَلاَّ يَكُونُوا مُؤْمِنينَ»[[22]](#footnote-22) پیغمبر این گونه عمل کرد تا انسان‌های بزرگی مانند سلمان و ابوذر و مقداد و حماسه‌های شکوهمندی مانند بدر و احد و خیبر پدید آورد.

این حرکت پیامبر را وارثان پیامبران نیز باید داشته باشند «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»[[23]](#footnote-23) یعنی ما هم باید کوشش کنیم و خود را به زحمت بیندازیم تا بتوانیم انسان‌های بزرگی را پدید آوریم. این وظیفة ماست.

ما باید شبانه‌روز مجاهدت ورزیم. مدیر مدرسة علمیه، ساعت‌کاری‌اش ۷ صبح تا ۲ بعد از ظهر نیست؛ زیرا که این برنامة عادی با آن مسئولیت سنگین سازگار نیست. مدیر گاهی باید نیمه شب در مدرسه حضور داشته باشد، گاهی باید نماز شب خود را در حجره‌ی طلاب بخواند. گاهی بعد از ظهرها بماند. گاهی با ابزارهای ارتباطی جدید صبح، شب، یا سحر با طلبه ارتباط برقرار کند. بهترین مدیران مدرسة علمیه که پیش‌کسوتان و ستاره‌های تربیت بودند مانند شهید قدوسی، مرحوم آیت الله ایازی، مرحوم آیت الله فاضل، مرحوم آیت الله مجتهدی و حضرت آیت الله بنابی این گونه زندگی می‌کردند که توانستند انسان‌های بزرگ را تحویل بدهند.

## هر طلبه؛ یک کلان‌پروژه

هر طلبه که وارد حوزه می‌شود یک پروژه بلکه یک کلان‌پروژه است و پروندة کاری سنگینی برای ما ایجاد می‌کند. این مسئولیت سنگین فراتر از توان ماست و روشن است که ما برای انجام این کار بزرگ، کم هستیم. به دو جهت:

یکی اینکه جمعیت طلبه زیاد است و هر یک از آنان برای خود دنیایی متفاوت از دیگری دارد؛ زیرا خدای متعال دو سرانگشت را مثل هم نیافریده است تا چه رسد به دو انسان که از دو پدر و مادر متولد شده و با دو فرهنگ متفاوت در دو خانواده و محیط رشد کرده‌اند: «وَ قَدْ خَلَقَكُمْ أَطْواراً»[[24]](#footnote-24). با این وصف هر کدام به رسیدگی‌های خاص نیاز دارند.

دوم اینکه دارایی‌های تهذیبی، اخلاقی و تربیتی خود ما ناچیز است و «ذات نایافته از هستی بخش. چون تواند که بود هستی‌بخش؟» ما موظف هستم عالم ربانی کامل پدید بیاوریم در حالی که خود عالم کامل نیستیم.

اکنون این سؤال پدید می‌آید که لوازم چنین تربیتی چیست؟ برای پدید آمدن چنین رادمردانی چه باید کرد؟

## دست بسیار

تربیت، تحول و ساخت انسان، مهم‌ترین و البته سخت‌ترین کار است. این کار دشوار را فردی نمی‌توان انجام داد. روشن است که تنها راه حل در این میان، «اهتمام جمعی» است. باید دست، در کار تربیت زیاد شود و دیگران هم به خدمت این کار بزرگ آیند. ایدآل این است که همگان به عنوان عامل تربیت تلاش کنند و به سطح نازل کار نیز قناعت نکنند. رویکرد تربیتی باید فراگیر شود. اگر چند نفر در کار تربیت طلبه حضور داشته باشند و طلبه از وجود افراد متعدد بهره گیرد، مثلا یکی کمالات علمی و دیگران کمالات اخلاقی، اجتماعی، ارتباطی یا مراقبت‌های فردی را به او منتقل کنند شخصیت جامع‌تری شکل خواهد گرفت؛ اما آن کس که تنها زیر دست یک نفر رشد کرده است علی‌القاعده پایین‌تر از او خواهد بود.

در حوزه‌های علمیه عوامل متعددی در تحول شخصیت طلبه نقش‌آفرینی می‌کنند. مدیر،‌ استاد، پرسنل، طلاب دیگر، فضا و محیط مدرسه، کتب درسی، متون آموزشی و...؛ اگر بخواهیم در تربیت طلبه اهتمام جدی داشته باشیم باید همة این عوامل را در کنار هم و به صورتی کاملا هماهنگ و منسجم به کار گیریم. بی‌تردید یک نفر ـ به عنوان مدیر یا معاون تهذیب ـ برای فکر کردن و اقدام مؤثر در این زمینه کافی نیست. باید اندیشه‌های متعدد و متنوعی در فکر و تدبیر تربیتی و دست‌های فراوانی در اقدام و عمل تربیتی به کار افتد. برای این منظور لازم است یک هستة فکری قدرتمند برای برنامه‌ریزی، طراحی، هدایت، نظارت و حمایت از فعالیت‌های تربیتی و تهذیبی در مدرسه تشکیل شود تا تلاش‌های متفرق در نظام واحد قرار گیرد و سطح تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات ارتقا یابد.

معاونت تهذیب حوزه‌های علمیه برای پیدایش چنین سازة ارزشمندی طرح **شورای تهذیب و تربیت مدارس علمیه** را پیشنهاد می‌کند. شورای تهذیب مدرسة علمیه، یک هستة فکری برای هدایت، نظارت و حمایت از امور تربیتی ـ تهذیبی مدرسه است که تحت نظارت مدیر مدرسه فعالیت می‌کند. مدرسة علمیه اگر فاقد این شورا و محروم از برکات آن باشد، در کار تهذیب و تربیت طلبه توفیقی ندارد و مدیر و معاون مدرسه هرچند انسان‌های وارسته، عالم و مجاهدی باشند به تنهایی کاری از پیش نمی‌برند.

در نوشته‌های آینده شورای تهذیب و تربیت را بیشتر توضیح خواهیم داد

# بخش سوم

در این نوشتار ماهیت و ارکان شورای تهذیب را بیشتر با رویکرد تبیینی و توصیه‌ای – نه قانونی و آیین‌نامه‌ای – روشن می‌سازیم و به همین جهت به تعداد دقیق اعضای شورا، نحوة انتخاب آنان، مقررات تشکیل جلسات و جزئیاتی مانند آن اشاره نمی‌شود.

### مدیر

مسئولیت سنگین تربیت طلبه اولا و بالذات بر دوش مدیر است. مدیر به عنوان متولی اصلی، سایر عناصر تربیتی را جمع‌آوری و نصب می‌کند و باید پاسخ‌گوی همة تلاش‌های تربیتی در مدرسه باشد. معاون تهذیب در مرتبت بعد، مددکار مدیر و عون اوست. مدیر، ثبات و اعتبار و نفوذ بیشتری دارد و امر خطیر تربیت را به غیر او نمی‌توان سپرد؛ بنابراین کسی که باید بیشترین اشراف و احاطة علمی را بر عملیات تربیت داشته باشد مدیر مدرسه است. این اشراف علمی از آسمان نازل نمی‌شود و باید با تلاش و مجاهدت نظری حاصل آید و دائم نیز تقویت گردد. شورای تهذیب بستر پیدایش و تقویت این احاطة عالمانه و تفکر حکیمانه است.

مدیر مدرسه در کار تربیت طلبه، یا دانا و کارکشته و مسلط است یا نیازمند دانایی و کارکشتگی و تسلط. اگر نیازمند است که باید رشد کند و بار گیرد و تقویت شود تا بتواند این مسئولیت سنگین را به خوبی انجام دهد و اگر دانا و کارکشته است که باید این سرمایة عظیم را به نسل دیگر منتقل کند؛ یعنی در کنار خود کسانی را پرورش دهد و همیار و همراه خود گرداند؛ بنابراین در هر دو صورت به شورای تهذیب و تربیت نیاز دارد.

البته در برخی از مدارس علمیه فراتر از مدیر، متولی دیگری نیز وجود دارد. در آن مدارس تولیت مدرسه نیز باید در شورای تهذیب حضور داشته باشد تا هم به این جمع فایده برساند و هم از این جمع استفاده کند؛ «وَ أَمْرُهُمْ شُورى‏ بَيْنَهُمْ».[[25]](#footnote-25)

مدیر مدرسه یا متولی آن حق ندارد با امر عظیم تربیت طلبه، شوخی کند و به شکل فردی، تصمیماتی بی‌پایه و ارتجالی بگیرد. تصمیم‌های او یا به سال‌ها تجربه و دانش و احاطه مستند است یا ناپخته و بی‌مایه و خلق‌الساعه است. اگر عالمانه و باپشتوانه است که باید این دانش و مهارت سترگ به دیگران نیز انتقال یابد و اگر بی‌بته و خلق‌الساعه است که باید با یک پشتوانة حمایتی مطمئن، تکمیل و ترمیم شود. پس در هر دو صورت به شورای تهذیب و تربیت نیاز دارد.

### معاون تهذیب

معاون تهذیب مدرسه دبیر این شورا است و باید با مشورت گرفتن از مدیر، دستور جلسه را به صورت روشن آماده کند و بیش از سایر اعضا برای آن مایه گذارد. پس از جلسه نیز مشروح مذاکرات را ثبت و مستندسازی نماید. اگر شورای تهذیب یک دبیر فعال و پیشرو نداشته باشد در میانة راه دچار فرسایش می‌شود و به بن‌بست می‌رسد. در مباحثات علمی معمولا لازم است یک نفر مطالعة بیشتری داشته باشد و از قبل بر روی موضوع و سیر بحث به خوبی فکر کرده باشد و جهت‌دهی اصلی جلسه را بر عهده گیرد. معاون تهذیب این نقش را بر عهده دارد.

اگر همة اعضای جلسه بدون مطالعه در شورا حاضر شوند و بخواهند صرفا از طریق بلندبلند فکر کردن! و بارش‌ها و جرقه‌های ذهنی در جلسه اظهار نظر کنند معمولا مباحثه به پراکنده‌گویی و سرگردانی منتهی می‌شود و بیشتر مایة کلافگی و آزردگی می‌گردد. معاون تهذیب می‌تواند پیش از جلسه با اندکی مطالعه و تفکر یا با چند تماس تلفنی با کارشناسان و اندکی آمادگی پیشین این روال را بسیار بهینه سازد و بحث را مراحلی پیش اندازد.

### سایر معاونان

معاون آموزش مدرسه نیز لازم است در این شورا حضور داشته باشد؛ بدان جهت که عمدة برنامه‌های مدرسه حول محور آموزش قرار دارد و همپوشی و اصطکاک میان برنامه‌های آموزشی و تربیتی بسیار است. بنابراین معاون آموزش باید نگرش تربیتی کاملی داشته باشد تا بتواند سایة توجهات تربیتی را بر تمام فرایند آموزش بگستراند.

حضور سایر معاونان مانند معاون پژوهش نیز در این شورا توصیه می‌شود. حتی اگر نتوان به عنوان یک تکلیف اداری و به صورت مستمر آنان را به این حضور الزام کرد به صورت موردی و مثلاً ماهی یک‌بار باید ارتباط آنان را با این شورا برقرار ساخت؛ زیرا اطلاع آنان از مباحث شورا در ایجاد یک نگاه پررنگ تربیتی و احساس مسئولیت فردی در این موضوعات مؤثر است. علاوه بر اینکه زمینة همراهی و هماهنگی ضوابط آموزشی، پژوهشی و سایر آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها را ایجاد می‌کند.

### اساتید

نقش تربیتی استاد در مواجهة مستقیم و مباشر بی‌بدیل است. در حوزه‌های علمیه عوامل متعددی در تحول شخصیت طلبه نقش‌آفرینی می‌کنند؛ اما بی‌شک تأثیرگذارترین و موفق‌ترین عامل در پرورش طلبه، استاد است. نقش استاد در شکل‌دهی به اندیشه و انگیزه و رفتار طلبه بی‌همتاست و بیشترین رسیدگی در حق طلبه نیز از استاد انتظار می‌رود. این ویژگی مرهون عوامل زیر است:

**نخست** اینکه بستر تربیت و تحول انسان ارتباط است و فرصت استاد برای ارتباط با طلبه از همه بیشتر است. استاد روزانه با طلبه مرتبط است و فرصت تأثیرگذاری طولانی در اختیار دارد. می‌تواند در این فرصت حرف بزند، عاطفه بورزد، برانگیزد، راهنمایی کند، هشدار دهد، بشکند، بسازد و برافروزد.

**دوم**: طلبه در مقابل مقام علمی استاد به‌نحو طبیعی کرنش می‌کند و مسحور و مرعوب جلوه‌گری علمی او می‌گردد. طلبه کوچکی خود را در مقابل استاد به علم حضوری درمی‌یابد و دیوار دفاعی خود را در برابر عظمت او می‌گشاید.

گویا این اعتبار علمی خودبخود به شخصیت استاد و سایر صفات او نیز سرایت می‌کند و به اعتبار شخصیتی تبدیل می‌گردد و اعتماد می‌آفریند؛ اعتمادی که بزرگ‌ترین سرمایه در اثرگذاری تربیتی است.

**سوم**: استاد برخلاف مدیر، معاون آموزش، معاون تهذیب، پرسنل اجرایی و حتی استاد اخلاق مدرسه با گروه محدودتر و جمعیت کمتری روبروست و به‌طبع، مشکلات آنان را از نمای نزدیک می‌بیند و با سرعت و دقت بیشتری درمی‌یابد و امکان شناخت استعدادها و قوت و ضعف طلبه را بیش از همه و پیش از همه دارد.

**چهارم**: انس و صمیمیت استاد در ارتباط طولانی با طلبه روزبه‌روز بیشتر می‌شود و زمینة اثرگذاری و نقش‌آفرینی او هموارتر می‌گردد. همین انس و صمیمیت است که طلبه را به درددل با استاد و بیان مسایل فردی خود تشویق می‌‌کند و از او اُذُن خیر و سنگ صبوری برای مشکلات طلبه پدید می‌آورد.

از این ظرفیت ممتاز و انرژی جایگزین‌ناپذیر باید به نفع تربیت آن انسان‌های توانا و بزرگ استفاده کرد و برای این منظور جایگزین بهتری نمی‌توان یافت.

مدیر مدرسه که تربیت اخلاقی معنوی طلاب را بر عهده دارد و مدیریت می‌کند حتماً به این عامل منحصر به‌فرد و استثنائی باید توجه کند و از آن در مقاصد تربیتی بهره گیرد؛ زیرا بی‌شک نمی‌توان تعلیم و تربیت طلبه را از هم تفکیک کرد و به دو کانون مختلف وانهاد.

تأثیر استاد در طلبه قطعی است. استاد حتی اگر نداند و نخواهد، رنگ شخصیت خود را به طلبه انتقال می‌دهد و ناهشیار بر او اثری می‌افکند. این فرایند ناخودآگاه را باید شناخت و مدیریت کرد و از ظرفیت آن به نفع تربیت بهره گرفت؛ تربیتی پنهان و نامرئی فراتر از آموزه‌ها و ارتباطات کلاسیک که می‌توان بهینه‌اش ساخت و به کارش گرفت.

علاوه بر این، سینة استاد گنجینة مسایل ریز و درشت و نیازها و مشکلات طلاب است. مسایلی که باید در شورای تهذیب و تربیت یک به یک بحث و بررسی شود و به سامان درستی دست یابد؛ بنابراین حضور اساتید در شورای تهذیب و تربیت مدرسه لازم است؛ البته معمولاً دعوت از همة اساتید ممکن نیست ولی دست کم دو سه نفر از آنان خصوصاً اساتید اخلاق باید در این شورا حضور داشته باشند و حتماً از نظارت و نظرات آنان در این شورا بهره گرفته شود. در ضمن از آنجا که شورای تهذیب و تربیت خود نوعی کلاس درس و پایگاه رشد برای اساتید به شمار می‌رود، هرچه تعداد اساتید در آن، بیشتر باشد نیروی تهذیبی بیشتری در مدرسه پرورش می‌یابد.

مدیر مدرسه همان طور که دغدغة رشد طلبه‌ها را دارد باید به فکر رشد و پرورش اساتید مدرسه هم باشد؛ بنابراین از اساتید مدرسه باید برای حضور در شورای تهذیب و تربیت به اصرار دعوت کند و در یک فرایند بُرد بُرد هم خود از فکر و نظر آنان استفاده کند و هم آنان در این شورا ارتقا یابند. اینکه چه استادی صلاحیت دعوت و حضور در این شورا را دارد به شکل تعینی آشکار است. طبعاً در میان اساتید مدرسه، کسانی می‌توان یافت که دغدغة تربیت را بیش از دیگران دارند و در این زمینه جوش و خروش و خلاقیت بیشتری از خود نشان می‌دهند؛ البته سایر اساتید نیز با حضور در این شورا درس می‌آموزند و پیش خواهند رفت.

### مشاور

حضور مشاور مدرسه در شورای تهذیب و تربیت توصیه می‌شود؛ البته توجه داریم که معمولاً مدیر و اساتید مدرسه در معرض مشاوره قرار دارند و از مسایل شخصی طلاب از نزدیک آگاهند؛ اما اگر مدرسه، استاد اخلاق یا مشاور مستقل هم دارد مناسب است از حضور و اشراف او نیز در این شورا بهره گرفته شود. بی‌تردید مشاوران، رازدار مسایل مراجعان هستند و در این کرسی هرگز از آنان انتظار نمی‌رود پروندة طلاب را فاش کنند یا مسایل شخصی آنان را محور گفتگو قرار دهند؛ اما انتظار می‌رود که تجربیات حاصل از درگیری مستقیم با مسایل تربیتی طلبه را به ظرفیت‌های شورا بیفزایند.

نکته‌ای که حتماً باید بدان توجه کرد این است که معمولاً نگاه مشاوران آسیب‌شناسانه و درمانی است و چون دائماً با موارد سخت و حاد روبه‌رو بوده‌اند ممکن است سایة سنگین این موارد بر ذهن و دل آنها غلبه کرده باشد و رویکرد شورای تهذیب و تربیت را از پیش‌گیری و تعالی‌جویی به سمت درمان و ترمیم بکشانند. متأسفانه باید گفت اکثر قوانین مدرسه متناسب با اضعف طلاب و ناظر به تخلفات یا مشکلات بدترین طلبه‌ها - که چه بسا صلاحیت ماندن در حوزه را هم نداشته باشند - تنظیم می‌شود و هوش و حواسّ مسئولان، بیشتر درگیر حل مسأله‌هایی است که اینان پدید می‌آورند. در حالی که طلاب خوب و رشید مدرسه، از توجهات تربیتی محروم می‌مانند و معمولاً برای آنها طرح و تدبیر و برنامه‌ای رقم نمی‌خورد! به تعبیر دیگر تمام همّ و غمّ مسئولان مدرسه این است که طلبه را از زیر صفر به سمت صفر بیاورند و حد نصاب سلامت را برای طلبه تأمین کنند؛ در حالی که مدرسة علمیه تأسیس شده تا طلبه، نه از زیر صفر به صفر بلکه از صفر به بی‌نهایت حرکت کند و از حدّ نصاب سلامت به اوج تعالی و شکوفایی دست یابد. این موضوع را باید هوشمندانه مدیریت کرد و شورای تهذیب و تربیت را به کار اعتلای تربیتی طلاب کشاند و از بزرگ‌نمایی برخی آسیب‌های موردی پرهیز داد.

### کارشناسان مدعو

بسیاری از مسایل بغرنج عالم طلبگی با یکی دو جلسه بحث و بررسی در شورای تهذیب و تربیت حل نمی‌شود و نیاز به ورود کارشناسانه دارد. مطالعه کردن منابع مکتوب در این زمینه کار این بحث و بررسی را آسان می‌کند.[[26]](#footnote-26) در بسیاری از موضوعات هم لازم است از نظر کارشناسان بیرونی برای دسته‌بندی عالمانه موضوعات یا جمع‌بندی نهایی استفاده شود.

با پیشرفت فناوری ارتباطات می‌توان به صورت مجازی نیز از حضور آنان در جلسه بهره گرفت. همچنین حین جلسه یا بعد از آن می‌توان از آنان نظرخواهی کرد. تزریق این نظرات به شورا، سرعت بحث را می‌افزاید، دسترسی به نتیجه را سهل می‌کند، مباحثه را انتظام می‌بخشد و شورا را از ساده‌انگاری موضوعات و برخوردهای سطحی یا کلافگی از ادامه بحث و توقف بیجا نجات می‌دهد.

### طلبه

حضور برخی از طلاب نیز در شورای تهذیب مفید است. طلبه‌های نخبه و خوش‌فکر از پایه‌های بالاتر و سرگروه‌ها و مسئولان فعال تشکل‌های طلبگی - دست‌کم در پاره‌ای موضوعات خاص – می‌توانند در این شورا حضور داشته باشند. با توجه به اینکه شورای تهذیب و تربیت، بحث و بررسی‌های کلی و طرح و تدبیرهای عام تربیتی در مدرسه را بر عهده دارد، حضور طلاب در آن، مانع و مفسده‌ای ندارد و مایة ارتباط صمیمی‌تر با بدنة طلاب، دست‌یابی به اطلاعات خاص آنها و استفاده از خلاقیت‌های جوانی آنان در طراحی و تدبیر می‌گردد. همچنین به جهت‌دهی فکری و علمی آنان به سمت موضوعات اخلاقی تربیتی می‌انجامد و سرعت رشد آنان را در جریان تربیت بالا می‌برد. شورای تهذیب همان گونه که برای استاد و مدیر، مایة بالندگی و کلاس درس است برای این طلاب هم رشد علمی و عملی می‌آورد.

حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند:

«اِذَا احْتَجْتَ اِلَى الْمَشْوَرَةِ فى اَمْرٍ قَدْ طَرَاَ عَلَيْكَ فَاسْتَبْدِهِ بِبِدايَةِ الشُّبّانِ، فَاِنَّهُمْ اَحَدُّ اَذْهانا وَ اَسْرَعُ حَدْسا، ثُمَّ رُدَّهُ بَعْدَ ذلِكَ اِلى رَاْىِ الْكُهولِ وَ الشُيوخِ لِيَسْتَعْقِبوهُ وَ يُحْسِنُوا الاِخْتيارَ لَهُ، فَاِنَّ تَجْرِبَتَهُمْ اَكْثَرُ»[[27]](#footnote-27)

هرگاه به مشورت نيازمند شدى، نخست به جوانان مراجعه نما، زيرا آنان ذهنى تيزتر وحدسى سريع‌تر دارند. سپس (نتيجه) آن را به نظر ميان‌سالان و پيران برسان تا پيگيرى نموده، عاقبت آن را بسنجند و راه بهتر را انتخاب كنند، چرا كه تجربة آنان بيشتر است.

بر اساس این حدیث، طرح موضوع در حلقة جوانان ضروری است، جوانان به‌خاطر ذهن تیز و حدس سریع، قادر به ابداع موضوعات، دستیابی به احتمالات، ایده‌پردازی نوآورانه، دقت در محاسبات و ... می‌باشند.

البته در مرحلة بعد لازم است که نتیجة مباحثات حلقة جوانان را در حلقة دیگری از بزرگان دارای تجربه و سابقه مطرح نمود؛ چرا که ایشان قادر خواهند بود به خوبی عواقب آن کار را سنجیده و با اولویت‌گذاری، بهترین گزینه را انتخاب نمایند.

همچنین طلاب جوان برای واسپاری برخی از کارهای جانبی مانند تهیة منابع مرتبط، جستجو از آرای صاحب‌نظران، تنظیم صورت‌جلسه و برخی ارتباطات جانبی در حاشیة شورا آمادگی دارند. بی‌شک میدان دادن به طلاب جوان و باور کردن توانایی‌های آنان هم برای مدرسه سودمند است و هم به شکوفایی استعداد جوانان می‌انجامد و هم توصیة مقام رهبری در گام دوم انقلاب را محقق می‌کند. اینکه کدام یک از طلاب در این شورا دعوت شوند برای مدیر مدرسه و سایر اعضای شورا آشکار است و نیاز به توصیه و تبیین ندارد. قدر متیقن ویژگی‌های این طلاب فضل علمی، ابتکار، رازداری و روحیة کار جمعی است.

در نوشته‌های آینده فلسفه و ثمرات شورای تهذیب و تربیت مدارس علمیه را بیشتر تبیین خواهیم کرد.

# بخش چهارم

## فلسفه و ثمرات شورای تهذیب و تربیت

از شورای تهذیب، می‌توان تقریر خشک و بخش‌نامه‌ای ارایه داد. نیز می‌توان با تقریر عمیق از فلسفه و ماهیت این شورا، روح و باطن آن را درک کرد. اگر حقیقت این شورا و سخت‌هستة ماهوی آن درک نشود قالب ظاهری آن چندان مفید نیست. مانند کارمندی که روح قانون را نفهمیده است یا نمازگزاری که فقط ظاهر نماز را ادا می‌کند. کسانی که حقیقت و فلسفه شورای تهذیب و تربیت را به خوبی درک کرده‌اند، این شورا را یک شورای نمایشی وقت‌گذران نمی‌بینند و در روش اجرا نیز چندان به آموزش نیاز ندارند؛ البته آموزش آن و استفاده از تجربة کسانی که سابقة برگزاری موفق و مؤثر این شورا را دارند همواره مفید است.

مدیر مدرسة علمیه اگر درک کاملی از بهره‌های شورای تهذیب داشته باشد خود را به داشتن آن مضطر می‌بیند نه اینکه صرفاً به خاطر یک دستور بالاسری و از باب رفع تکلیف شورای تهذیب و تربیت تشکیل دهد.

در اینجا به بیان اهداف و ثمرات این شورا می‌پردازیم.

### ۱.‌ همراهی در تربیت طلبه

غرض از شورای تهذیب و تربیت این است که دست و مغز در کار تربیتی زیاد باشد. علاوه بر مدیر مدرسة علمیه و معاون تهذیب که متولیان اصلی هستند، دیگران هم به این میدان ورود می‌کنند تا این کار به خوبی انجام گیرد.

با فعالیت معاون تهذیب در مدرسه این شیب لغزنده وجود دارد که متصدیان بخش‌های دیگر و حتی اساتید محترم گمان کنند تربیت و تهذیب طلبه، مسئول و متصدی دارد و آنان می‌توانند نسبت به این امر فارغ‌البال و بی‌مسئولیت باشند. برای رفع این تصور غلط، سخنرانی و تذکر کافی نیست. با تشکیل شورای تهذیب آنها سر در موضوع و دست اندرکار تربیت خواهند شد و عملاً احساس مسئولیت می‌کنند. با برگزاری شورای تربیت، دغدغه‌مندان امر تهذیب و تربیت تکثیر می‌شوند.

### ۲.‌ همفکری و امکان دستیابی به ایده‌های برتر

اولین وظیفة شورای تهذیب و تربیت، همفکری است. همفکری در قالب مباحثه مسایل تربیتی و کشف راه‌کارهای آن. مباحثه، یک اجتماع علمی است که دست خدا بالای آن است و در آن جهش فکری اتفاق می‌افتد: «فإنّ یدَ اللهِ مع الجماعة».[[28]](#footnote-28) این جرقه‌های ذهنی به کشف ایده‌های جدید می‌انجامد و با این فکرهای تازه می‌توان اقدامات مؤثری انجام داد. مدیر یا معاون تهذیب مدرسه هرچند خوش‌فکر و ذکاوتمند باشند به تنهایی چنین دستاوردی ندارند. تنها در اجتماع و مباحثه است که این همه دقت و خلاقیت تولید می‌شود.

مدیر مدرسه حق ندارد برای حل و فصل مسایل تربیتی به فکر خود اکتفا کند و امر مهم تربیت طلبه را با چند دقیقه یا چند ساعت تأمل فردی پیش برد. حتماً باید از حاصل فکر و تأمل دیگران خصوصاً در یک بستر جمعی بهره گیرد: «اضْرِبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بِبَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوَابُ».[[29]](#footnote-29)

در شورای تهذیب و تربیت، بارش فکری و توفان مغزی رخ می‌دهد و تجربیات انباشته در وجود اعضا، اثاره می‌شود. همچنین با مباحثه و همفکری، مطالب در ذهن، تثبیت و پایدار می‌شود؛ بنابراین این شورا، کانون عقلانیت و تولید فکر برای مدرسه و بازوی فکری برای مدیر است. علاوه بر اینکه اگر این یافته‌ها و تأملاث ثبت شود دانش تربیت نیز ارتقا می‌یابد.

البته دبیر جلسه موظف است با پرسش‌های زیبا و تأمل‌برانگیز، قدرت فکری دیگران را به میدان آورد و از توان آنان به خوبی استفاده کند: «حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ».[[30]](#footnote-30)

### ۳. همدلی و ایجاد شور تربیتی بیشتر

وقتی مدیر یا معاون تهذیب مدرسه در انجام وظیفة تربیتی، احساس تنهایی می‌کند به مرور انگیزه‌اش کم و همتش کوتاه می‌شود و شور و حرارت و نشاط خود را از دست می‌دهد؛ اما با شورای تهذیب و تربیت، احساس حمایت و پشتیبانی می‌کند، به کار تربیت طلبه، دلگرم می‌شود و با شور و قدرت بیشتری وظیفة خود را دنبال می‌کند و با همراهی این شورا همت بلندتری خواهد یافت.

### ۴. هم‌زبانی و هم‌نوایی

در شورای تهذیب و تربیت، میان مدیر، کادر مدرسه، اساتید و متولیان تربیت و تهذیب، هم‌زبانی پدید می‌آید. گاهی در پاسخ به سؤالات طلبه مانند سؤال از زمان ازدواج یا ارتقایی خواندن، معمم شدن، و... استاد مدرسه یک نظر می‌دهد. مشاور مدرسه نظر دیگری دارد و مدیر مدرسه نظر دیگری! در اینجا طلبه به سرگردانی می‌افتد و تلاش‌های تربیتی، دائم خنثی می‌شود. علاج این تشتت آرا و تضاد ارشادات در شورای تهذیب و تربیت است. در این شورا با گفتگو و مباحثه، آهنگ واحد پدید می‌آید و مدرسه و طلبه از رهنمودهای متعارض نجات پیدا می‌کنند.

در یکی از مدارس علمیه استاد اخلاق توصیة اکید به رعایت واجب و حرام کرده بود و مستحبات و مکروهات را پیشکش شمرده بود. هفته بعد در همان مدرسه و بر فراز همان منبر، استاد دیگری گفته بود: طلبه باید نماز شب بخواند و نماز شب اگر برای تودة مردم مستحب است برای طلبه واجب است. این تناقض کجا باید حل شود و راه جمع این دو سخن چگونه باید برای طلبه تبیین شود؟ شورای تهذیب و تربیت، صدای واحد توصیه‌های تربیتی را تولید می‌کند.

### ۵. ایجاد دغدغه فعال

مدیر مدرسه بیش از آنکه به «مدرسه‌گردانی» می‌اندیشد باید به «طلبه‌پروری» فکر کند. بیش از آنکه به غذای جسمی طلاب، ایزوگام بام مدرسه، نقاشی ساختمان و تجهیز امکانات اهتمام می‌ورزد، نسبت به غذای روحی و تربیت جامع طلبه باید اهمیت دهد. این موضوعی است که همگان بدان معترف‌اند و کسی در آن تردید ندارد، اما چرا این امر بدیهی در خارج کمتر محقق می‌شود؟

این موضوع را با توصیه و درخواست نمی‌توان محقق ساخت و با ابلاغ بخش‌نامه و دستورالعمل نمی‌توان پیش برد. شورای تهذیب و تربیت مدرسه سازه‌ای است که به این ضرورت یاری می‌رساند. این شورا، مسایل تربیتی و اخلاقی را اولویت اول مسئولان می‌کند و نسبت به آن حساسیت و ذهنیت فعال ایجاد می‌کند. روشن است که تا موضوعی دغدغة درونی مدیران نشود به جریان نمی‌افتد. برای ایجاد این دغدغه‌مندی هم نمی‌توان منتظر معجزه نشست. باید آن را پدید آورد. این شورا، دغدغة تهذیب و تربیت را زنده نگاه می‌دارد و اولویت تهذیب و تربیت را همیشه بالا می‌آورد.

برجسته‌ترین و موفق‌ترین مدیران مدارس علمیة قم در سال ۸۹ و پس از سفر مقام رهبری یک جلسة هفتگی به هدف هم‌افزایی پدید آوردند تا بر روی مسایل مورد نیاز و تربیت جامع و انقلابی طلبه بحث کنند. این جلسه بیش از هشت سال استمرار یافت. این مدیران از سر فراغت و بی‌کاری یا به هدف گعده و خوش‌گذرانی دور هم نیامده بودند؛ همه معترف بودند که از این جلسه بهره می‌گیرند و راز موفقیت آنان نیز همین گفتگوها و بررسی‌ها بوده است.

اگر تهذیب و تربیت طلبه مهم‌ترین است باید در باره‌اش فکر و گفتگو کنیم و برایش انرژی صرف کنیم. هیچ توجیهی برای از دست دادن این فرصت نمی‌توان یافت. بی‌تردید باید از ظرفیت منحصر به فرد جمع در این مهم استفاده کرد.

### ۶. ارتقای جایگاه تهذیب

ارتقای جایگاه تهذیب، با سخنرانی و شعار و بخش‌نامه رخ نمی‌دهد و با التماس و ناله و شکواییه محقق نمی‌شود. به سازه‌کار و اقدام مؤثر نیاز دارد. با تشکیل منظم شورای تهذیب و تربیت، جایگاه تهذیب و تربیت در مدرسه ارتقا خواهد یافت و فکر و ذکر و همّ و غمّ و هوش و حواسّ مسئولان از تمرکز بر مسایل آموزشی یا رفاهی طلبه به سوی تربیت جامع خواهد رفت. سطح تصمیم‌گیری‌های تربیتی، غلظت توجهات تربیتی و حساسیت نسبت به مسایل تربیت بالا می‌رود و ماهیت تربیتی حوزه‌های علمیه به جایگاه اصیل خود بازمی‌گردد.

### ۷. استقلال در کار تربیت

مهم‌ترین هنر ستاد مدیریتی این است که مدارس علمیه را به رشد رساند نه اینکه از آنان انتظار داشته باشد که صرفاً مانند یک ربات بی‌اراده و ماشین بی‌اختیار، اجراکنندة دستورات ابلاغی باشند و سمعاً و طاعه بگوید. ستاد باید به جای پیمان‌کاری، تصدی‌گری مستقیم، عملیات مباشر تهذیبی و ورود بی‌واسطة تربیتی در سطح مدارس، صف‌آرایی کند و مباشران و مسئولان مستقیم را به استقلال رساند. مدارس علمیه باید در مسأله‌شناسی تربیتی، اولویت‌بندی و حل و فصل مسایل به مرور مستقل شوند و دائم چشم‌انتظار ابلاغیه‌ها و بخش‌نامه‌های ستادی نمانند. اگر مدیر مدرسه قدرت و اهمیت شورای تهذیب را درک کند و به برگزاری مستمر و مؤثر آن اهتمام داشته باشد ظرفیت حساسیت، خلاقیت و ایده‌پردازی تربیتی مدرسه را بالا می‌برد و منتظر قانون بالادستی نمی‌ماند؛ بلکه با شور و ابتکار بیشتر به گونه‌ای حرکت می‌کند که ستاد مرکزی از نوآوری‌ها و دستاوردهای او استفاده کند؛ اما اگر مدیر یا معاون تهذیب مدرسه دست‌تنها مانده و شورای تربیت نداشته باشند هرچه طرح و آیین‌نامه ابلاغ شود را یا محترمانه بایگانی می‌کند یا مایة کلافگی و موی دماغ می‌بیند و با آن درمی‌افتد یا اینکه در بهترین حالت پوستش را جهت ارائة گزارش، اجرا می‌کنند و مغز و روحش را وامی‌گذارد. مدیر و مسئول مدرسة علمیه باید خود را در امر تربیت، صاحب عزا و بازیگر اصلی بداند نه تماشاچی خارج از گود، و به گونه‌ای عمل کند که اگر هیچ ستادی نمی‌بود و دستوری از بالا نمی‌رسید عمل می‌کرد. اگر فرض کنیم همة متولیان ستادی در کار خود کوتاهی می‌کنند و وظایف خود را انجام نمی‌دهند، باز هم مدیر مدرسة علمیه موظف است در تربیت طلبه سنگ تمام بگذارد و از هیچ تلاشی دریغ نورزد. البته روشن است که این بیان، هرگز به معنای رفع مسئولیت ستاد و مجوز دادن به کوتاهی‌های او در انجام وظایف نیست؛ مراد اصلی این است که ستاد وظیفه دارد مدارس علمیه را تقویت کند و به نوعی استقلال رساند.

متولی امر تربیت، مدیر است؛ به همین جهت، هم می‌تواند جلوتر از بخش‌نامه‌ها و قوانین ستادی پیش رود و آنها را اعتلا بخشد و هم می‌تواند این آیین‌نامه و دستورات بالاسری را با اجرای بد نابود کند و به سخره بگیرد.

به شکل طبیعی زمانی که مدارس در طراحی و برنامه‌ریزی نیز حضور داشته باشند، هم درک بهتری از طرح‌های ابلاغی صورت خواهد گرفت، هم اقتضاءات بومی بیشتر لحاظ خواهد شد و هم انگیزه و اهتمام بیشتری برای اجرای آن پدید خواهد آمد.

با تشکیل شورای تهذیب و تربیت، مدارس علمیه از دو چیز رها خواهند شد؛ یکی تحمیل و تکلیف سازمانی که آنان را به مجری بی‌اختیار قانون و اپراتور بی‌ارادة تحقق اراده‌های دیگران تبدیل می‌کند و دوم سرگردانی و بی‌تدبیری و ضعف رأی[[31]](#footnote-31) که آنان را در مقام عمل، به توقف و تحیر می‌کشاند.

### ۸. دستیابی به قدرت اقناع

با رشد فکری و عقلانی جوانان در دنیای معاصر و اطلاعات انبوه آنان به راحتی نمی‌توان طلبه را ارشاد کرد. جوان دنیای امروز کمتر زیر بار نصیحت می‌رود و به سهولت قانع نمی‌شود. برای اینکه حرف‌های درست و درشت و توصیه‌های محکم و قانع‌کننده به طلبه داشته باشیم و زبان گویایی برای تبیین مطالب به دست آوریم نیاز به مباحثه و گفتگو داریم. بدون شورای تهذیب این مهم معمولاً امکان‌پذیر نیست.

ما برای پاسخ‌گویی به ابهامات طلاب و اثرگذاری کامل بر آنان به آمادگی پیشین نیاز داریم. بدون پیشینه و ارتجالی نمی‌توان از پس مسایل جوانان برآمد. برای محکم‌تر شدن سخن و پیدا کردن بیان گویا، جامع و بلیغ، این شورا نیاز است.

### ۹. آموزش و تربیت نیرو

مدیر مدرسه همان گونه که وظیفة تربیت طلبه را بر عهده دارد وظیفة ارتقای کادر خود را هم دارد و باید دانش و تجربه اساتید و سایر پرسنل مدرسه را بالا ببرد. شورای تهذیب و تربیت، فضایی برای انتقال تجارب است و یک دورة آموزشی غیررسمی اما اثرگذار برای دانش‌افزایی و مهارت‌افزایی اعضا به شمار می‌رود.

به بیان دیگر شورای تهذیب هم موضوعیت دارد و هم طریقیت. هم پایگاه حل مسأله و کانون طرح و تدبیر است و هم طریقی برای تربیت نیروی کارآمد.

فایدة کوتاه مدت و آشکار این شورا، حل مسایل تربیتی و تهذیبی مدرسه، دستیابی به پاسخ‌های عالمانه و جامع و کشف راه‌کارهای اقدام و عمل است؛ اما بهرة درازمدت و پنهان این شورا که بسی از بهرة ظاهری و آشکار آن مهم‌تر و بیشتر است این است که در این شورا آرام‌آرام، نیروی اخلاق و تربیت، تربیت می‌شود. کسانی که در طول زمان و به شکل هفتگی دردهای تربیتی را مرور و مباحثه کرده‌اند به تدریج در این کار صاحب‌نظر و عالم و توانا خواهند شد.

اینها برخی از فواید و برکات تشکیل شورای تهذیب و تربیت است. مدیران مدارس علمیه با توجه به این بهره‌ها، نسبت به این شورا احساس اضطرار خواهند کرد نه احساس تحمیل و تکلیف زاید و خود را سخت بدان محتاج و مشتاق خواهند دید.

# بخش پنجم: ماهیت شورای تهذیب

شورای تهذیب چه چیز هست و چه چیز نیست؟

## تسری به سطح طلاب

تشکیل شورای تهذیب در مدرسه ذیل «تئوری مردمی‌سازی و عمومی‌سازی تربیت» می‌گنجد که در جای دیگری به تفصیل توضیح داده شده است. با این وصف، لازم است بهره‌های شورای تهذیب را به سطوح پایین‌تر نیز تسری دهیم؛ یعنی همان گونه که ستاد مرکزی نباید بار مدارس را بر دوش بکشد و به صورت مباشر تصدی‌گری کند شورای تهذیب مدرسه نیز نباید بار تربیت طلاب را کامل بر دوش بگیرد و به شکل اعتلایی و از بالا به آنان امر و نهی کند. طلاب مدارس نیز باید با تشکیل گروه‌های همفکری و همیاری، آرام آرام مشق اندیشه و اقدام کنند و به میدان تلاش تربیتی وارد شوند و به مرور استقلال یابند. پدر خوب پدری است که راه رفتن را به فرزند خود بیاموزد نه آنکه همواره او را بر دوش گیرد. متولیان تربیتی هم به جای آنکه دایم برای طلاب، تعیین تکلیف کنند و طرح و تدبیر دهند باید قدرت تصمیم‌گیری و حل مسأله را در آنان ایجاد کنند و با تأکید بر یک سازة فکری - عملیاتی مؤثر و تشویق آنان به تشکیل یک عقلانیت جمعی در گروه‌های طلبگی آنان را رشد دهند.

## شورای تهذیب چه چیز هست؟

شورای تهذیب، عقل منفصل و قوة متفکرة مدیر مدرسة علمیه است که سطح درک و تحلیل مسایل تربیتی را بالا می‌برد و به تصمیم‌گیری‌های متقن و حکیمانه برای تربیت جامع طلبه، متناسب با آرمان اسلام و انقلاب یاری می‌دهد. وقتی مدارس علمیه در برنامه‌ریزی تربیتی نقش و دخالت داشته باشند و همة ارکان تربیت درگیر مسایل تربیتی شوند اولاً برنامة تربیتی جامع‌تر می‌شود، ثانیاً احساس مسئولیت و انگیزة بیشتری برای اجرای آن در مدرسه پدید می‌آید و ثالثاً اقتضائات مناطق و الزامات بومی نیز در برنامه‌ریزی تربیتی لحاظ می‌شود؛ بنابراین ستاد مرکزی نیز از دستاوردها و یافته‌های شوراهای تربیت مدارس بهره می‌گیرد.

## شورای تهذیب چه چیز نیست؟

گفته شد شورای تهذیب شورای هم‌فکری و هم‌افزایی در مسایل اخلاقی - تربیتی و شورای هم‌آفرینی طرح‌ها و ایده‌های خلاق است؛ اما از باب «تعرف الاشیاء باضدادها» برای فهم بهتر و درک کامل‌تر آن باید بررسی کنیم شورای تهذیب چه چیز نیست؟

**یک**: شورای تهذیب برنامه‌ای در عرض برنامه‌های دیگر نیست؛ مادر برنامه‌های دیگر است. پلت‌فرمی است که درون آن ده‌ها برنامه دیگر را می‌توان بارگذاری کرد. ساختار پایه‌ای است که طرح‌های دیگر بر روی آن سوار می‌شود. زمین حاصل‌خیزی است که سایر برنامه‌ها در آن شکوفا می‌شود.

**دو**: شورای تهذیب شورای آموزش نیست. گفتگو دربارة نمره و آزمون و کلاس‌بندی و آیین‌نامه‌های آموزشی به شورای تهذیب مربوط نیست. در انتهای شورای آموزشی مدرسه، یک بحث مختصر تربیتی انجام دادن هم کافی نیست و نمی‌توان آن را به حساب جلسات شورای تهذیب گذاشت.

بی‌شک شورای تهذیب و تربیت بر شورای آموزش اولویت دارد؛ یعنی اگر امر، میان تعطیلی شورای آموزش و تعطیلی شورای تهذیب دایر شود، حق تقدم با شورای تربیت است و شورای آموزش تعطیل می‌شود؛ زیرا اگر تهذیب به خوبی کار کند آموزش را بسامان خواهد کرد. اگر روح احساس مسئولیت و انجام وظیفه در طلبه ایجاد شود مشکلات آموزشی هم حل خواهد شد.

**سه**: شورای تهذیب و تربیت، شورای صیانت و کمیتة انضباطی نیست. کمیتة انضباطی، شورای صدور حکم قضایی است که تخلف را کشف و حکم جریمه را صادر می‌کند. این کمیته برای برخورد قاطع حقوقی و تصمیم‌گیری قانونی است و با شورای تهذیب که بیشتر در جایگاه طراحی فعال و پیش‌گیری قرار گرفته است فاصله دارد.

**چهار**: شورای تهذیب یک شورای اداری نیست که صرفاً تدابیر اداری و قوانین خشک حقوقی تولید کند. یک مباحثه خلاق علمی در موضوعات اخلاقی و برنامه‌های تربیتی است که به افزایش سطح فکر و درک تربیتی مدرسه کمک می‌کند. بنابراین در شورای تهذیب تلاش می‌شود مسایل تربیتی به صورت واقعی حل شود نه صرفا با قیام و قعود ارتجالی و رای اکثریت.

با این توصیف شورای تهذیب بیشتر اتاق فکر است تا اتاق فرمان؛ یعنی اعضای شورای تهذیب نباید برای تصمیم‌گیری و رسیدن به مصوبه عملیاتی عجله کنند. شورایی که برای تصمیم‌گیری عجله دارد فرصت لازم برای فکر کردن و دستیابی به واقع را پیدا نمی‌کند.

به همین جهت چه بسا مناسب بود به جای کلمة «شورا» از کلمة «کارگروه علمی» یا «گروه مباحثاتی تهذیب و تربیت» استفاده می‌کردیم؛ زیرا شورا بیشتر به یک سازة تصمیم‌گیری اطلاق می‌شود. اما بیم آن می‌رفت که این کارگروه علمی برای مدیر یا مسئولان مدرسه ضروری تلقی نشود و یک برنامة جانبی تلقی گردد به همین جهت عنوان شورا را ترجیح دادیم تا ضمانت آن را در مدرسه بیشتر کنیم.

**پنج**: شورای تهذیب یک شورای فروافتاده در شوراهای دیگر نیست و نباید با شورای دیگر تلفیق شود، بلکه باید استقلال خود را حفظ کند، حق شایسته خود را متناسب با خطورت و اهمیتش از توان و زمان مسئولان بستاند و بدان درخور جایگاهش اعتنا شود.

**شش**: شورای تهذیب جلسة سخنرانی و القای یک‌جانبه محتوا نیست، جلسه مباحثه و بارش فکری است و باید با مشارکت همه یا عمدة اطراف حاضر در جلسه پیش رود.

# بخش ششم

## موضوعات گفتگو در شورای تهذیب

هزار مسأله برای بحث و بررسی در شورای تهذیب وجود دارد. اگر شورای تهذیب در مدارس علمیه روزانه برگزار شود تا سال‌ها برای بحث و گفتگو، موضوع وجود دارد. هزار گره ناگشوده و هزار بحث به‌سرانجام نرسیده برای مباحثه می‌توان یافت. برای کشف این سوژها چند روش وجود دارد:

الف) مراجعه به پرسش‌های طلاب: ابهام‌هایی که طلاب در مشاوره‌ها مطرح می‌کنند و از استاد و مدیر و مشاور می‌پرسند موضوع گفتگوی شورای تهذیب قرار می‌گیرد. اعضای شورای تهذیب پیش یا پس از پاسخ دادن به طلبه می‌توانند این سؤال‌ها را به شکل جامع و همه‌جانیه بررسی کنند و در ارایة رهنمود به طلبه، مسلط، همنوا و هماهنگ شوند.

ب) طلبه و ...: راه دیگر برای کشف موضوع این شورا فرمول «طلبه و...» است. پس از «واو» و به جای آن سه نقطه، هزار کلمه می‌توان گذاشت. بخشی از این عناوین در نمودار حیات طلبگی آمده است:



* + **طلبه؛ هویت و رسالت**
		- طلبه؛ ورود به حوزه و اقتضاءات سنین مختلف
		- طلبه؛ تثبیت هویت و گذار از دورة پیش از طلبگی
		- طلبه؛ احساس هویت و ارزشمندی، ایمان به راه و هدف
		- طلبه؛ معنا و نصاب طلبگی
		- طلبه؛ فعالیت‌ها و خدمات طلبگی
		- طلبه و انتخاب مأموریت
		- طلبه و لباس روحانیت
		- طلبه؛ روزمرگی و غفلت از آرمان
		- طلبه؛ مخالفت‌های والدین و اطرافیان
		- طلبه و فارغ التحصیلی
		- طلبه؛‌ شهادات، اجازات، مدارج، مدارک و القاب علمی
		- طلبه؛ کسب مدرک تحصیلی و اعتبار اجتماعی
		- طلبه؛ تغییر رشته و انصراف از طلبگی
	+ **طلبه و تصمیم‌گیری**
		- طلبه؛ برنامه‌ریزی، مدیریت زمان و سبک زندگی
		- طلبه و مشکل تعارض ارشادات
	+ **طلبه؛ اخلاق و زیّ طلبگی**
		- طلبه؛ بندگی و سلوک عبادی
		- طلبه و اخلاق فردی
		- طلبه و اخلاق اجتماعی
		- طلبه و جلوه‌های رفتاری (زیّ طلبگی)
		- طلبه؛ معاشرت با مردم و ارتباط با متن زندگی آنان
		- طلبه و رابطه با استاد
		- طلبه، انگیزش و حفظ نشاط
		- طلبه و نظم
		- طلبه و حفظ اعتدال
		- طلبه؛ عزلت‌گرایی و خلوت‌نشینی
		- طلبه و ساده‌زیستی، یا ثروت‌اندوزی
		- طلبه؛ تحمل سختی‌ها، و استقامت در زندگی
		- طلبه و بایسته‌های حجره‌نشینی
		- طلبه و بحران عاطفی
	+ **طلبه و خدمات فرهنگی**
		- طلبه؛ تبلیغ و فعالیت‌های فرهنگی
		- طلبه و کارآمدی
		- طلبه و مدیریت
		- طلبه و رسانه و فضای مجازی
		- طلبه و هنر
	+ **طلبه و مسایل اجتماعی سیاسی**
		- طلبه؛ هوشمندی و بصیرت اجتماعی،
		- طلبه؛ درک شرایط روز، آگاهی از اطلاعات و توان تحلیل
		- طلبه و اندیشة امام و رهبری
		- طلبه و جامعة ولایی
	+ **طلبه و فعالیت‌های غیردرسی**
		- طلبه و فعالیت‌های اجرایی
		- طلبه و فعالیت‌های فصل تابستان
		- طلبه و اشتغالات غیرطلبگی
		- طلبه؛ محدودیت‌های اقتصادی و تأمین معیشت
		- طلبه و ثبت خاطرات
	+ **طلبه؛ خانه و خانواده**
		- طلبه و ارتباط با پدر و مادر و فامیل
		- طلبه و ازدواج
		- طلبه و دوران عقد
		- طلبه و تربیت فرزند
	+ **طلبه و حوزه**
		- طلبه و استفاده از شهریه
		- طلبه؛ مقررات حوزه و آیین‌نامه‌ها
		- طلبه؛ آشنایی با حوزه، رسالت‌ها و کارکردها
		- طلبه و اطلاع از شخصیت‌ها و مراکز حوزوی
		- طلبه و انس با محیط حوزه
		- طلبه؛ مزایا و محدودیت‌های حوزه
		- طلبه و تحول حوزه
	+ **طلبه و سلامت**
		- طلبه و بهداشت
		- طلبه؛ تغذیه، خواب و استراحت
		- طلبه و ورزش
		- طلبه؛ اوقات فراغت، سرگرمی و تفریحات سالم
	+ **طلبه و فعالیت‌های علمی و آموزشی**
		- طلبه؛ برنامة آموزشی و روند تحصیلی حوزه
		- طلبه و دانش‌های لازم
		- طلبه و قرآن
		- طلبه و روایات
		- طلبه و علوم حوزوی
		- طلبه و درس خارج
		- طلبه؛ دین‌شناسی و اجتهاد
		- طلبه؛ اطلاعات عمومی و علوم جدید
		- طلبه و تحصیل دانشگاهی
		- طلبه و علوم انسانی
		- طلبه؛ انتخاب درس و انتخاب استاد
		- طلبه و مطالعات جنبی و غیردرسی
		- طلبه و تدریس
	+ **طلبه و فعالیت‌های علمی و آموزشی**
		- طلبه؛ دروس غیرحضوری، آموزش مکاتبه‌ای و فایل‌های درسی
		- طلبه و آموزش اینترنتی و مجازی
		- طلبه؛ خرید و فروش کتاب، و تهیة امکانات تحصیلی
		- طلبه و جامعة اطلاعاتی و الکترونیکی
		- طلبه؛ اندیشه‌ورزی و تعمق
		- طلبه و آشنایی با منابع، متون درسی و شروح
		- طلبه و تحصیل جهشی و ارتقایی
		- طلبه و پژوهش
		- طلبه؛ تألیف و نگارش
		- طلبه؛ مکالمة عربی و زبان‌آموزی
		- طلبه، استعدادیابی و انتخاب رشتة تحصیلی
		- طلبه و مؤسسات و مراکز تخصصی وابسته به حوزه
	+ **طلبه، روش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز**
		- مهارت‌های نوشتاری
		- مهارت‌های تحصیلی
		- مهارت‌های تبلیغی
		- مهارت‌های مدیریتی
		- مهارت‌های تربیتی
		- مهارت‌ها و ابزارهای نوین
		- طلبه و تکنولوژی آموزشی
		- طلبه و فعالیت گروهی

هر یک از این عناوین می‌تواند موضوع چند جلسة شورای تهذیب باشد. در بسیاری از این موضوعات منابع و مقالاتی هم می‌توان یافت که مطالعة آنها پیش از جلسة شورا سودمند است.[[32]](#footnote-32)

ج) کتاب‌ها و متون مرتبط با طلبگی: فهرستی از این کتاب‌ها در پیوست یکم همین متن آمده است. مطالعة جمعی و مباحثة برخی از مهم‌ترین این آثار برای دست‌اندرکاران تربیت طلبه ضروری است. شورای تهذیب بستر مناسبی برای این منظور است.

د) کتاب‌ها و متون مرتبط با تعلیم و تربیت اسلامی و شناخت ویژگی‌های جوان و نوجوان: مرور جمعی و مباحثة این کتاب‌ها سطح فکر و عمق نگاه اعضای شورا و دست‌اندرکاران امر تربیت طلبه را بالا می‌برد. برخی از این کتاب‌ها به شرح زیر است:

* تعلیم و تربیت در اسلام، مرتضی مطهری
* فلسفۀ تعلیم و تربیت اسلامی، گروه نویسندگان زیر نظر محمدتقی مصباح یزدی
* نقش مربی در تربیت اخلاقی- معنوی، جمعی از نویسندگان
* مسئولیت و سازندگی، علی صفایی حائری
* روش‌های تربیتی اخلاقی کاربردی در اسلام، محسن حاجی بابائیان امیری
* راهبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم، محمد عالم‌زاده نوری
* روش‌های تربیت اخلاقی در المیزان، سید احمد فقیهی
* نقش عادت در تربیت اسلامی، تقی علی‌اشرف جودت
* نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، خسرو باقری
* تربیت اخلاقی، محمد داودی

د) علاوه بر مباحث کلی می‌توان برنامه‌های جاری مدرسه را موضوع بحث و گفتگوی شورای تهذیب قرار داد. به این ترتیب، شورای تهذیب به منزلة ستاد طرح و برنامه در موضوعات تهذیبی و تربیتی است: برنامه‌های قرآنی و حدیثی، برنامه‌های مشاوره‌ای، برنامه برای خانواده طلاب، برنامه‌های اخلاقی و فرهنگی، برنامه‌های مطالعاتی و معرفتی و مانند آن.

به بیان دیگر این شورا هم می‌تواند اتاق فکر باشد و هم اتاق فرمان. هم معرفت‌افزایی و انتقال تجارب باشد و هم تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری. برخی از نمونه‌های این موضوعات عبارت است از ‌برنامه‌ریزی برای:

* حضور شبانه اساتید در مدرسه،
* درس اخلاق هفتگی و استفادة بهتر از اساتید آن،
* فعالیت‌های فرهنگی مانند اردوها، مراسمات یا فضاسازی محیطی،
* مدیریت تابلوهای اعلانات،
* استفادة بیشتر از طلاب در امور مدرسه و تشکیل گروه‌های همیار،
* انس با طلاب و اشراف خیرخواهانه و همه‌جانبه (اخلاقی، علمی، اقتصادی، خانوادگی و...) بر وضعیت آنان،
* تکریم و عزت‌بخشی و شخصیت‌دهی به طلاب،
* تبیین مسایل و اقناع طلاب نسبت به قوانین و تصمیمات،
* برخورد حکیمانه با خطاها،
* فضاسازی اخلاقی،
* ارتباط مؤثر با خانواده طلاب،
* زمینه‌سازی برای ازدواج بهنگام و موفق،
* الگوسازی عملی در تربیت طلاب،
* شناسایی، پرورش و هدایت استعدادها،
* بهره‌گیری از اساتید ممتاز و کارآمد،
* استادپروری و استفاده از ظرفیت طلاب و فارغ‌التحصیلان،
* استفاده از طلاب در ادارة امور،
* ارزشیابی مداوم وضعیت تربیتی طلاب، برنامة آموزشی و اساتید،
* برنامه‌ریزی و هدایت تحصیلی بر اساس استعدادها و توانمندی‌های متفاوت طلاب،
* بهره‌گیری از فناوری‌های نوین،

## اولین جلسات شورای تهذیب

پس از تأسیس شورای تهذیب و در اولین جلسات آن باید به تبیین ماهیت خود شورا پرداخت و مباحثی از قبیل همین نوشتة پیش‌رو را در آن به بحث و بررسی گذارد. بهره‌ها و برکات این شورا باید به تفصیل تبیین شود و با مباحثه و گفتگو برای اعضای شورا معلوم گردد. پس از یکی دو جلسه که این گفتگو به سرانجام رسید «شناسایی آسیب‌های اخلاقی و تربیتی» محور بحث و بررسی قرار گیرد و فهرستی از مسایل مورد ابتلای طلاب تهیه شود. سپس این مسایل بر حسب اهمیت، اولویت‌بندی گردد و در جلسات بعد بر اساس اولویت به آن پرداخته شود؛ یعنی ریشه‌های آن تحلیل و راهکارهای آن کشف شود.

# بخش هفتم

## ملاحظات اجرایی شورای تهذیب

شورای تهذیب محکماتی دارد و مستحبانی؛ یعنی پاره‌ای از امور در شورای تهذیب ثابت و تغییرناپذیر است و برخی دیگر بر حسب شرایط، انعطاف دارد. اگر محکمات و ثابتات شورای تهذیب حفظ شود، دغدغه‌ای برای اجرای متنوع آن در مدارس وجود ندارد.

1. مدیر مدرسة علمیه، مسئول شورای تهذیب است و شورای تهذیب بستر فکری اوست؛ بنابراین حضور او در جلسات شورای تهذیب ضروری است و جز به اضطرار غیبت نمی‌کند. اگر مدیر مدرسه، دغدغه‌های تربیتی فعال داشته باشد و از این شورا پشتیبانی فکری و روحی و عملی دریافت کند و بدان پشتیبانی فکری و عملی برساند سطح تربیتی مدرسه بسیار بالا خواهد رفت؛ اما اگر مدیر نسبت به مسایل تربیتی بی‌تفاوت باشد یا طرح و تدبیری برای آن نداشته باشد، سایر عوامل به تنهایی نمی‌توانند کاری کنند و امور تهذیبی و تربیتی بر زمین خواهد ماند. مدیر مدرسة علمیه باید به این باور عمیق رسیده باشد که نیاز به یک ترکیب انسانی مؤثر کنار خود دارد بلکه به داشتن چنین جمع پشتیبانی مضطر است. بنابراین شورای تربیت را صرفاً یک دستور سازمانی برای گزارش‌دهی و رفع تکلیف تلقی نکند.
2. برگزاری شورا با چرخة منظم نیز از محکمات است. با توجه به اهمیت موضوعات تربیتی و فراوانی آن توصیه می‌شود شورای تربیت مدرسة علمیه، هفتگی برگزار شود. دست‌کم در آغاز راه لازم است این شورا به صورت هفتگی برگزار شود تا قوام خود را بیابد و مراحل اولیه را به خوبی طی کند؛ البته شاید بعد از به روال آمدن امور تربیتی و ایجاد یک فرهنگ مشترک حاکم بتوان آن را به دو هفته یک بار تقلیل داد. ناگفته نماند که مدارس موفق و مدیران دغدغه‌مند این چرخه را هفته‌ای دوبار یا یک روز در میان تعریف کرده‌اند و راز موفقیت آنان دقیقاً در همین اهتمام و التزام است.
3. حضور چند تن از اساتید مدرسه (دست‌کم دو نفر) در این شورا الزامی و از محکمات این طرح است.
4. شورای تهذیب و تربیت مدرسه یک بازوی مشورتی برای مدیر است که بیشتر ماهیت هم‌افزایی علمی مهارتی و شأن تصمیم‌سازی دارد؛ البته همان گونه که قبلا اشاره شد می‌توان از آن برای تصمیم‌گیری نیز استفاده کرد. با این وصف شورای تهذیب بیش از آنکه یک سازة تصمیم‌گیری باشد یک گروه مباحثه است.
5. معاونت تهذیب در ستاد مرکزی علاوه بر توجیه این طرح و تشویق بر انجام کیفی و مؤثر آن، نسبت به نظارت بر حسن اجرای آن هم وظیفه دارد؛ البته نظارت ستادی فقط در محکمات و قدر متیقن‌ها خواهد بود و بر بیش از آن جز تأکید و توصیه نمی‌تواند داشت؛ اما معاون تهذیب استانی موظف است تأسیس شورای تهذیب در همة مدارس استان را پی‌گیری کند و با حضور مستقیم خود در مدارس، دانش و تجارب لازم را به آنان انتقال دهد، انگیزة مسئولان مدرسه را تقویت کند و بر برگزاری مؤثر و کیفی این شورا در مدارس نظارت داشته باشد و با حضور و اشراف و توصیه‌های مداوم خود، شورای تهذیب را از یک سازة صوری و رفع‌تکلیفی به یک ظرفیت ممتاز فکری ـ عملیاتی ارتقا بخشد.
6. مدیر شورا باید تلاش کند که این جلسه با کیفیت و شکیل برگزار شود و از ظرفیت اعضا بهترین استفاده صورت گیرد. اعضای جلسه هم باید احساس خوبی از غنا و محتوای جلسه داشته باشند و کسی احساس اتلاف وقت نکند. وقت جلسه به مباحث سیاسی یا حال و احوال شخصی و خانوادگی یا گعده‌های صمیمی طلبگی نگذرد. با برگزاری ضعیف این شورا تجربة تلخ و خاطرة آزاردهنده‌ای برای اعضا، خصوصاً برای مدیر و معاون مدرسه باقی می‌ماند و دوام و استمرار آن به خطر می‌افتد و شورا به جای آنکه عون مدیر باشد و به تهذیب کمک کند به تعذیب مدیر و معاون می‌انجامد و بیشتر نقش مانع را ایفا می‌کند.
7. محتوای جلسه باید به تناسب اهمیتش در جلسه بحث شود. نه یک مسألة پیش‌پا افتاده، جلسات متعدد به طول انجامد و نه یک مسألة پیچیده و بغرنج، ارتجالی و ناقص جمع شود. جدیت دبیر جلسه، به جدیت جلسات و اعضای آن منتهی می‌شود.
8. لازم نیست همة جلسات شورای تربیت، مصوبة اجرایی داشته باشد. گاهی عجله برای رسیدن به مصوبة عملیاتی مانع از دقت و حوصله در رسیدن به زوایای نهفتة موضوع است. معمولاً کار علمی و پژوهشی و رسیدن به یک دیدگاه جامع به حوصله و تأنی نیاز دارد و با شتابزدگی و سراسیمگی سازگار نیست. ابهام و آشفتگی اول راه جز با بحث و گفت‌وگوی فراوان و صبر و کاوش و پایداری حل نمی‌شود.
9. مناسب است که محتوای جلسه به خوبی مستندسازی شود؛‌ نام حاضران، تاریخ تشکیل شورا، شرح مذاکرات و مصوبات جلسه توسط دبیر در فرم مشخصی ثبت گردد.
10. مناسب است تقویم برگزاری جلسات شورای تهذیب در طول سال به دست اعضا برسد و تمام جلسات آن از پیش معلوم باشد. حتی می‌توان از موضوعات و مباحث مطروحه در شورای تربیت، دست کم برای چندین جلسه پیش‌بینی اجمالی کرد.
11. اعضای شورای تهذیب باید با طرح‌های معاونت تهذیب و تربیت آشنا باشند و در ارتقا و عملیاتی کردن آنها کمک کنند.
12. پیشنهاد می‌شود شورای تهذیب در هر مدرسه، تشکل‌های طلبگی مانند بسیج، حلقات تربیتی، هیئت، کانون‌های فعال فرهنگی و گروه‌های همیاران را زیر پوشش بگیرد.
13. مناسب است شوراهای تهذیب مدارس مختلف با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و از تجارب و دستاوردهای هم نیز استفاده نمایند.
14. همان طور که مدیر مدرسة علمیه نیاز به امداد فکری و عملی شورای تهذیب دارد مدیر استانی نیز در حل و فصل مسایل استان به شورای تهذیب نیاز دارد و باید از ظرفیت فکری، روحی و عملی این شورا در سطح استان بهره گیرد. استفاده از مدیران فعال یا معاونان تهذیب برجسته مدارس استان و نیز استفاده از کارشناسان بیرونی در این شورای استانی بسیار مناسب است.

# بخش هشتم

## شیوه گفتگو و تفکر در شورای تهذیب

چند الگو برای بحث و بررسی و تفکر در شورای تهذیب و تربیت مدارس علمیه قابل پیشنهاد است:

### الگوی منطق صوری

در کتاب‌های منطق صوری، معمولاً این مراحل برای تفکر پیشنهاد می‌شود:

1. مواجهه با مجهول
2. مراجعه به معلومات (جمع‌آوری پیشینه)
3. پردازش معلومات
4. کشف حد وسط
5. معلوم شدن مجهول

بر اساس این الگو لازم است ابتدا مسأله به خوبی تنقیح شود و همة ابهامات پیرامون آن به شکل شفاف فهرست گردد. سپس یکی از ابهامات بر اساس اولویت برای بحث و بررسی انتخاب شود. بعد از آن همة اطلاعاتی که افراد پیرامون آن دارند ارایه شود. در این مرحله می‌توان به منابع مکتوب یا کارشناسان صاحب‌نظر نیز مراجعه کرد. پس از آن با بحث و بررسی گروهی به کشف حد وسط و ایجاد جرقه‌های ذهنی دست می‌یابیم؛ مثلاً اگر موضوع بحث «لباس روحانیت» است قبل از هرگونه اظهار نظری، ابتدا باید سؤال‌های بحث، کشف و به صراحت بیان شود و دقیقاً محل بحث معلوم گردد. زیرا موضوع لباس روحانیت گسترده و مشتمل بر پرسش‌های متعددی است که پرداختن به همه‌ی آنها کار را دشوار و گره را کور می‌کند و ممکن است تنها برخی از آنها مورد ابتلای طلاب ما باشد:

* آیا لباس روحانیت ضروری است؟
* مشکلات و موانع تلبس طلاب چیست؟
* دلیل بی‌انگیزگی طلبه برای تلبس چیست؟
* طلبه چه زمانی معمم شود؟
* چه شرایطی برای پوشیدن لباس روحانیت لازم است؟
* قبل از معمم شدن چه مراحل و چه آموزش‌هایی لازم است؟
* این شرایط چگونه احراز می‌شود؟ طلبه چگونه مطمئن شود که این شرایط را واجد است؟
* پس از معمم شدن چه ملاحظاتی باید رعایت شود؟
* چگونه می‌توان طلبه را به معمم شدن مشتاق و انگیزه‌مند ساخت؟ برای فرهنگ‌سازی تلبس چه باید کرد؟
* آسیب‌های زود معمم‌شدن و دیر معمم‌شدن چیست؟
* صدور مجوز تلبس چه مشکلات یا آسیب‌هایی دارد؟
* آیا دولباسی رواست؟ چرا؟
* آیا پیوند معمم شدن به پاره‌ای از امتیازات، شایسته است؟
* شبهات پیرامون لباس روحانیت چیست؟
* ...

از میان این سؤال‌ها یکی را برای بحث و گفتگو انتخاب می‌کنیم تا به استقلال دربارة آن بحث کنیم؛ زیرا جلسة بحثی که همه این موضوعات متنوع را در بر دارد یک جلسة آشفته، پراکنده و گیج‌کننده است.

مناسب است پیش از مباحثه، منابع موجود در آن موضوع نیز اجمالا دیده شود. قرآن و حدیث، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات، سایت‌ها، اظهار نظرها و بیانات کارشناسان که از طریق مصاحبه یا گفتگو جمع‌آوری می‌شود و مانند آن منابعی هستند که مناسب است دبیر جلسه آنها را جمع‌آوری کرده و در اختیار سایر اعضا قرار دهد.

همان‌گونه که مشهود است موضوع لباس روحانیت را در یکی دو جلسه نمی‌توان به سامان رسانید و باید با حوصله و تأنی و در جلسات متعدد حل و فصل کرد.[[33]](#footnote-33)

### الگوی برنامه‌ریزی راهبردی

رسالت اصلی شورای تهذیب به عنوان بازوی فکری مدیر و معاون تهذیب مدرسه، «ارتقای سطح بینش و نگرش تربیتی» و پس از آن «مدیریت فرایند تهذیب و تربیت در مدارس» است، فرایند تهذیب و تربیت در قالب ساختار شبکه‌ای تهذیب و تربیت[[34]](#footnote-34) و مدیریت آن در بستر «شورای تهذیب و تربیت» واقع می‌گردد، بنابراین شایسته است جلسات شورای تهذیب با بهره‌گیری از «تفکر راهبردی»،[[35]](#footnote-35) ضمن «نگاه جامع»[[36]](#footnote-36) در عرصه تهذیب و تربیت، به برنامه‌ریزی مسایل و امور تهذیبی و تربیتی مدرسه بپردازد.

ارکان «برنامه‌ریزی راهبردی» عبارت است از:

1. تبیین وضعیت مطلوب (وضعیت مطلوب طلبه در همة ساحات تهذیبی و تربیتی، وضعیت مدرسة مطلوب، وضعیت مدیریت مطلوب مدرسه و...).
2. ترسیم وضعیت موجود (تعیین نقاط قوت، فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و... و نیز شناسایی نقاط ضعف آسیب‌ها، مشکلات و بحران‌های موجود[[37]](#footnote-37) و...)
3. راهکارهای رسیدن از وضعیت موجود به مطلوب (راهکارهای ترمیم، رشد و بالندگی)

### ۱. وضعیت مطلوب

هر حرکتی نیازمند تعیین مقصد است، شناخت اهداف و وضعیت مطلوب به همة اقدامات و فعالیت‌ها جهت می‌دهد، همة تصمیمات، تدابیر و برنامه‌های تهذیبی و تربیتی می‌بایست در جهت تحقق اهداف تعریف شوند. ارزیابی فعالیت‌ها نیز بر اساس تحقق اهداف و میزان دستیابی به وضعیت مطلوب ممکن می‌گردد، بنابراین قدم اول در برنامه‌ریزی تبیین اهداف و مقاصد است. در ساحت تهذیب و تربیت نیز می‌بایست با جامع‌نگری، وضعیت مطلوب در همة ساحات نظیر امور اخلاقی و معنوی، امور عبادی، امور انگیزشی و بینشی و... تبیین گردد، همچنین وضعیت مطلوب نسبت به همة موضوعات و ارکان مدرسه نظیر محتوا (محتوای علمی و تربیتی)، برنامه (برنامه‌های علمی و تربیتی)، ساختار (روابط، قوانین، فرایندها، سیستم مدیریت و...)، نیروی انسانی (طلاب، اساتید، مدیران و...) تشریح و تفصیل یابد. این جامع‌نگری سبب خواهد شد در برنامه‌ریزی‌ها نسبت به برخی موضوعات و ساحات غفلت صورت نگیرد. این مرحله می‌تواند در پژوهش‌هایی خارج از جلسات شورای تهذیب صورت پذیرد و نتایج آن در جلسات شورا مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

### ۲. وضعیت موجود

آنچه مسلّم است، همیشه وضعیت موجود با وضعیت مطلوب فاصله دارد، شناخت دقیق این فاصله‌ها در همة ابعاد و ساحت‌ها و موضوعات، به کم‌کردن فاصله‌ها کمک می‌نماید. وضعیت موجود از دو شاخصة نقاط قوت و نقاط ضعف برخوردار است که در مقایسه با وضعیت مطلوب شناخته می‌شوند، شناخت نقاط قوت به برنامه‌ریزی جهت رشد و ارتقا و بالندگی یک مجموعه یاری می‌رساند و شناخت نقاط ضعف نیز شرط لازم برای اقدامات اصلاحی خواهد بود. در واقع با شناخت عیوب و آسیب‌ها، بهتر می‌توان به راهکارهای دقیق برای اصلاح و ترمیم دست یافت. آسیب‌شناسی تهذیبی و تربیتی در محیط مدرسه به واسطة نظرخواهی از طلاب و اساتید و نیز نظر کارشناسی اساتید اخلاق و مشاور و نیز نظرات مدیران مدرسه قابل دستیابی‌است، همچنین آسیب‌شناسی‌های متعددی در گذشته صورت گرفته است که قابل بهره‌برداری است. پس از تهیة لیستی از نقاط قوت و ضعف در ابعاد و موضوعات گوناگون، لازم است به «اولویت‌گذاری» نظام موضوعات پرداخت و به تناسب اهمیت‌ها و ضرورت‌ها، مهم‌ترین مسایل تهذیبی و تربیتی مدرسه را جهت طرح در شورای تهذیب تعیین نمود.

### ۳. راهکارهای رسیدن از موجود به مطلوب

پس از تهیة نظام موضوعات تهذیبی و تربیتی و تعیین وضعیت مطلوب و موجود در آنها، در این مرحله برای رسیدن از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب با بهره‌گیری از نقاط قوت و رفع نقاط ضعف لازم است راهکارهای روشنی به دست آید. این راهکارها با بهره‌گیری از نظرات کارشناسی، روش‌های تربیتی، تجربیات موفق، ایده‌های تربیتی، نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها و... قابل استحصال و در قالب برنامه‌هایی قابل اجرا و پی‌گیری است. محصول این سه مرحله، برنامه‌های گوناگون در ساحات و موضوعات است که در قالب شبکة تهذیبی مدارس اجرا می‌شود.

## نظام موضوعات

این جدول نقشه جامع نظام موضوعات مدارس علمیه را به تصویر کشیده است، تکمیل این جدول یک فرایند طولانی و زمان‌بر خواهد بود و مورد انتظار نیست؛ ولی با نگاهی به این جدول می‌توان جایگاه بحث و اولویت‌ها را تعیین نمود.

لازم به ذکر است ارکان یک سازمان عبارت‌اند از محتوا (محتوای علمی،آموزشی، پژوهشی، تهذیبی و مهارتی)، برنامه (فعالیت‌ها، اقدامات و فرایندها)، ساختار (ساختار سازمانی، قوانین، آیین‌نامه‌ها، روابط، ساختمان و محیط، سیستم مدیریت و...)، نیرو (مدیر، معاونان، اساتید، طلاب) که در یک برنامه‌ریزی جامع مورد توجه قرار می‌گیرند، البته از میان عناصر مذکور، طلاب در اولویت هستند اما نمی‌توان از عناصر دیگر و نقش آنها در تهذیب و تربیت چشم‌پوشی کرد.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
|  | وضعیت مطلوب | وضعیت موجود | راهکارها | برنامه |
| محتوا | برنامه | ساختار | نیرو | محتوا | برنامه | ساختار | نیرو | محتوا | برنامه | ساختار | نیرو |  |
| انگیزشی |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | ش1 |
| اخلاقی- معنوی |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | ش2 |
| عبادی |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | ش3 |
| بصیرتی |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | ش4 |
| مهارتی |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | ش5 |
| صنفی |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | ش6 |
| علمی |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | ش7 |
| اعتقادی |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | ش8 |
| اجتماعی |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | ش9 |
| روحی – روانی |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | ش10 |
| جسمی |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | ش11 |
| ... |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |

1. . سوره توبه،33. [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره انبیاء، 105. [↑](#footnote-ref-2)
3. . سوره اعراف، 128. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره قصص، 5. [↑](#footnote-ref-4)
5. . کتاب من لایحضره الفقیه، ج۴، ص۳۳۴. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره مائده، 24. [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره محمد، ۷. [↑](#footnote-ref-7)
8. سوره حج، ۴۰. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره حجر، 9. [↑](#footnote-ref-9)
10. سوره نحل، ۹. [↑](#footnote-ref-10)
11. سوره یونس، ۹۹. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره انفال، 62. [↑](#footnote-ref-12)
13. سوره انفال، 64. [↑](#footnote-ref-13)
14. . سوره حدید، 25. [↑](#footnote-ref-14)
15. . سوره آل­عمران، 146. [↑](#footnote-ref-15)
16. . سوره صف، 14. [↑](#footnote-ref-16)
17. نهج‌البلاغه: خطبه ۲۱۶. [↑](#footnote-ref-17)
18. . الکافی، ج5، ص28. [↑](#footnote-ref-18)
19. . سوره قصص، 56. [↑](#footnote-ref-19)
20. . سوره طه، 2. [↑](#footnote-ref-20)
21. . سوره توبه، 128. [↑](#footnote-ref-21)
22. سوره شعرا، ۳. [↑](#footnote-ref-22)
23. . الکافی، ج1، ص32. [↑](#footnote-ref-23)
24. . سوره نوح، 14. [↑](#footnote-ref-24)
25. . سوره شوری: ۳۸. [↑](#footnote-ref-25)
26. برخی از منابع مرتبط با مسایل طلبگی در انتهای همین متن (پیوست یکم) آمده است. [↑](#footnote-ref-26)
27. *شرح نهج البلاغه* ابن ابی الحدید، ج20، ص337. [↑](#footnote-ref-27)
28. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۲۷. [↑](#footnote-ref-28)
29. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ حدیث ۱۰۰۶۳. [↑](#footnote-ref-29)
30. . کنزالفوائد، ج2، ص189. [↑](#footnote-ref-30)
31. در وصایای امام صادق علیه السلام آمده است: «ثَلَاثٌ يَحْجُزْنَ الْمَرْءَ عَنْ طَلَبِ الْمَعَالِي؛ قَصْرُ الْهِمَّةِ وَ قِلَّةُ الْحِيلَةِ وَ ضَعْفُ الرَّأْي؛ سه چیز است که انسان را از پی‌جویی امور بلند باز می‌دارد: یکی کوتاهی همت، دوم نداشتن طرح و تدبیر و سوم ضعف اندیشه‏» (تحف العقول، ص۳۱۸). [↑](#footnote-ref-31)
32. در جزوة «مبانی طلبگی» که توسط مدرسة علمیة آیت‌الله حق‌شناس تهران (فیلسوف الدوله) تهیه شده، از همین روش «طلبه و...» استفاده شده است. این موضوعات، گرچه موضوع بررسی‌های شورای تهذیب و تربیت نبوده ولی از آنها می‌توان برای این شورا الهام گرفت. [↑](#footnote-ref-32)
33. در پیوست شماره دو روشی برای تفکر و نوآوری در محتوا عرضه شده است که با تفصیل بیشتری همین الگوی منطق صوری را به شکل کاربردی ارایه کرده است. [↑](#footnote-ref-33)
34. ساختار شبکه‌ای تهذیب در متن دیگری به تفصیل عرضه خواهد شد. [↑](#footnote-ref-34)
35. «تفکر راهبردی» یک واژة مهم در دانش مدیریت و برنامه‌ریزی است که از نگاه جامع، عمیق، بلندمدت، مبتنی بر اهداف، ضامن جهت‌گیری مجموعه و تبیین کننده دورنما و افق پیش‌رو، متناسب با فرصت‌ها و تهدیدهای آینده و... حکایت می‌کند. بهترین ویژگی مدیران در مقام تدبیر و تصمیم‌سازی، داشتن تفکر راهبردی است، اعضای شورای تهذیب نیز برای برنامه‌ریزی تهذیبی و تربیتی، لازم است به تفکر راهبردی مجهز گردند. [↑](#footnote-ref-35)
36. در نگاه جامع به نظام موضوعات و مسایل تهذیب و تربیت، همة ابعاد و ساحات تهذیبی و تربیتی نظیر امور اخلاقی و معنوی، امور عبادی، امور انگیزشی و گرایشی، امور اعتقادی و بینشی، امور تحصیلی، امور صنفی و معیشتی و... مورد توجه قرار می‌گیرد، در نتیجه برنامه‌ریزی‌ها جامع و کامل خواهند بود. [↑](#footnote-ref-36)
37. گاهی برخی شرایط و مسایل اجتماعی و پیرامونی در محیط زندگی و تحصیل، نیازمند تدبیر و اتخاذ تصمیم و موضع‌گیری مدیریتی و اجرایی است، به عنوان مثال بیماری کرونا، فضای مجازی و امثال آن به خاطر آسیب‌های قابل توجه در امور مرتبط با طلاب می‌بایست به عنوان یک مسئله و آسیب مورد تدبیر قرار گیرند. از این رو در مرحلة ترسیم وضعیت موجود مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرند. [↑](#footnote-ref-37)